

۲۰۲۴

آرمیتا گراوند

# گزارش سال

کمیسیون زنان  
شورای ملی مقاومت ایران

مارس ۲۰۲۴





# فهرست

۲	مقدمه
۴	شعله ور نگاه داشتن اعتراضات
۱۲	شجاعت تسلیم ناپذیر
۱۸	سرکوب وحشیانه در هراس از قیامی دیگر
۵۸	خشونت علیه زنان و دختران ایران تحت حمایت حکومت و نهادهای شده

۱

۲

۳

۴

۵






## گزارش سالانه ۲۰۲۴

© Copyright ۲۰۲۴ توسط کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران  
تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این نشریه را نمی توان به هیچ شکل یا به هر وسیله الکترونیکی یا مکانیکی، اعم از فتوکپی، ضبط، یا هر گونه سیستم ذخیره و بازیابی اطلاعات، بدون اجازه کتبی ناشر، تکثیر یا منتقل کرد.

از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران  
مارس ۲۰۲۴

ISBN: 978 - 2 - 35822 - 022 - 4

 [wncri.org/fa](http://wncri.org/fa)  
 [@womenncri](https://twitter.com/womenncri)  
 [@womenncri](https://facebook.com/womenncri)

سال گذشته، در این ایام، جهان از شجاعت شگفت انگیز زنان ایران در رویارویی با رژیم دیکتاتوری مذهبی حاکم و نیروهای سرکوبگر آن الهام گرفت. حرف نو این است که زنان ایران امسال شجاعت بیشتری از آنچه در بستر قیام سال قبل از خود نشان دادند بارز کرده و ایستادگی بیشتری در مقابله با ستم و سرکوب رژیم آخوندی از خود نشان دادند، بعبارت دیگر در گزارش حاضر این واقعیت برجسته میشود که زنان ایران در شرایط بسیار سخت تری نسبت به سال قبل در برابر رژیم و تمامی ابزارها و نیروهای سرکوبگر و قوانین زن ستیزانه ای که او به میدان آورد ایستادند و مقاومت را زنده و پاینده نگه داشته و آنرا وارد فاز بالاتری کردند.

آرمیتا گراوند که تصویرش بر روی جلد این گزارش سالانه به چشم می خورد، دختر جوان شجاعی بود که بی باک و بدون تن دادن به حجاب اجباری به مدرسه میرفت. و وقتی گشت های حجاب به او تذکر دادند، علیرغم سن به ظاهر کم اما تمامیت رژیم را به چالش کشید و به قیمت جاننش (در مقابل آنها) مقاومت کرد. دختران دانشجو در پردیس دانشگاه ها در برابر نیروهای امنیتی مقاومت کردند، آن قدر که رژیم مجبور شد با نیروهای امنیتی نقابدار به آنها حمله کند و کارت هویت دانشجویی آنها را مصادره کند.

در سالگرد قیام در شهریورماه، هرچند که رژیم موج دستگیری ها را از چند ماه قبل برای سرکوب جامعه و منکوب کردن آن آغاز کرده بود، ۶۰۰ زن فقط در تهران به خاطر آمدن به خیابان بازداشت شدند.

زنان شجاع رشت با شعارهای «مرگ بر حکومت بچه کش» در خیابانهای شهر راهپیمایی کردند. مادران داغدار شهیدان قیام، علیرغم اینکه ده ها تن از آنها زندانی و به حبس های طولانی محکوم شده اند، دادخواه فرزندان خود شدند و برگ های زرینی از شجاعت و مقاومت در مقابل رژیم را به نمایش گذاشتند و خاطره و یادبود فرزندان شهیدشان را در مناسبت های مکرر به فرصتی برای مقاومت و مبارزه علیه رژیم تبدیل کردند و قیمت آنها با دستگیر شدن و محکومیت های سنگین پرداختند.

زنان زندانی علیرغم محصور بودن در غل و زنجیر زندان، تابلوهای شگفتی از مقاومت و شجاعت را ارائه کردند تا جایی که رژیم را مجبور به حمله و هجوم و شلیک به آنها برای در هم شکستن مقاومت شان کردند ولی همین، پیام عجز رژیم و پیام مقاومت زنان زندانی شد که روح مقاومت و ایستادگی را به تمام شهرها و روستاهای ایران و همه زنان و دختران ایران و فراتر از آن به هر جوان ایرانی از پشت چهاردیواری خاکستری و صلب زندان که مرکز حاکمیت این رژیم زن ستیز حاکم بود، فرستاد.

از جمله زنان زندانی: زندانی مقاوم مریم اکبری منفرد در حالی که آخرین سال از محکومیت ۱۵ ساله خود را بدون حتی یک روز مرخصی استعلاجی پشت سر گذاشته است، بدلیل مقاومت و سر خم نکردن در مقابل رژیم به سه سال حبس دیگر محکوم شد. چرا که رژیم نمی خواهد چنین زن مقاومی آزاد و در جامعه الهام بخش مقاومت باشد.

معصومه صنوبری با اتهام لیدر اعتراضات، یک سال است که در انفرادی و به صورت ایزوله از سایر زندانیان محبوس می باشد.

زندانی سیاسی مقاوم، زینب جلالیان، بدون دسترسی به درمان در تبعید در زندان یزد به سر می برد. وی امسال ۱۶مین سال از حبس ابد خود را سپری می کند.

پدیده قابل تامل دیگر حضور و گسترش زنان و دختران کانون های شورشی در تمام شهرهای ایران است که علیرغم سرکوب گسترده رژیم و مجازات سنگینی که در صورت گرفتار شدن توسط نیروهای سرکوبگر رژیم در انتظارشان است، عملیات ضد اختناق خود را هر روز افزایش می دهند. «هسته های مقاومت» رو به گسترشی که روح مقاومت و ایستادگی زنان و جوانان ایران را در مقابل هر شکل از سرکوب رژیم به شیوه ای جدید سازماندهی کرده و صحنه مبارزه علیه این رژیم دیکتاتوری را برای رسیدن به آزادی و یک جمهوری دمکراتیک با جدایی دین و دولت دست گرفته اند

با این حضور و با این سطح از مسئولیت پذیری مبارزه زنان ایران، در جایگاه رهبری مبارزات و قیام های سرنگونی طلبانه، وارد فاز جدیدی شده است. همانطور که رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت و آنچنانکه مریم رجوی بارها خاطر نشان کرده است انرژی عظیمی در درون زنان نهفته است که می تواند جهان را به سوی آزادی و برابری هدایت کند. زنان آن قدر می توانند قدرت واقعی خود را بشناسند که در یک مبارزه جدی درگیر شوند.

و این چیزی است که امروز در ایران در حال وقوع است. زنان مقاوم ایران و مقاومت ایران، تا آزادی به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

در مجموعه امسال، تلاش شده صحنه های مقاومت زنان ایران و سد بستن در مقابل خاموش کردن قیام توسط رژیم، در عین سرکوب فوق العاده به تصویر کشیده شود.

## کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران



## مقاومت و ایستادگی در میانه سرکوب

### جنبش اعتراضی یک ساله در ایران به رهبری زنان

با وجود سرکوب گسترده و تعداد غیرقابل تصور اعدام ها در سال ۲۰۲۳، مردم ایران به اعتراضات خود در تمام طول سال ادامه دادند و زنان در خط مقدم بسیاری از آنها حضور داشتند. آنها از هر فرصتی برای بزرگداشت شهیدان قیام سال گذشته، یا اعتراض به اعدام معترضان زندانی، استفاده کردند و شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند. اقشار مختلف جامعه به خیابان ها ریختند و شعارهای ضدحکومتی سر دادند و حقوق خود را مطالبه کردند. مطالبات مردم بیشتر حول محور فقر، معیشت، و سیاست های غارتگرانه رژیم بود. علاوه بر ۵۲۴ حرکت اعتراضی در جریان قیام سراسری در سه ماه اول سال، ۳۰۹۳ تظاهرات اعتراضی علیرغم سرکوب عریان رژیم برپا کردند. بر اساس اطلاعات گردآوری شده توسط کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، زنان در حداقل ۲۱۸۵ تظاهرات شرکت داشته و در آنها نقش پیشتاز داشتند.

### اعتراض به حملات شیمیایی به مدارس

روز ۱۶ اسفند ۱۴۰۱ شهرهای مختلف در سراسر ایران شاهد اعتراضات علیه مسمومیت عمدی دانش آموزان بودند. معلمان و خانواده های دانش آموزان از رژیم آخوندی خواستند پاسخگو بوده و امنیت مدارس را تأمین کند. معترضان از جمله شعار می دادند «حملات شیمیایی را محکوم کنید»، «مرگ بر رژیم کودک کش»، «امنیت مدارس حق مسلم ماست» و ...

### معلمان

معلمان بیشترین تجمعات را در ماه اسفند در اعتراض به مسمومیت دانش آموزان بی گناه، و در ماه اردیبهشت با خواست تعدیل حقوق خود و در ماه

شهریور در سالگرد قیام سال ۱۴۰۱ برگزار کردند. روز ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲، معلمان ایران با وجود تدابیر شدید امنیتی، در ۱۴ استان کشور تجمعات اعتراضی برپا کردند. آنها به استفاده رژیم ایران از طرح رتبه بندی به عنوان ابزاری برای سرکوب اعتراض کردند.

معلمان در تجمعات شان شعار می دادند «معلم زندانی آزاد باید گردد»، «معلم می میرد، ذلت نمی پذیرد»، «حملات شیمیایی محکوم شود» و «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه» سر دادند. در برخی از شهرها مانند رشت، اراک، اردبیل و لنگرود، معترضان شعارهایی مانند «فریاد هر معلم مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر»، و «معلم بیدار است از شاه و شیخ بیزار است» سر دادند.



## مقاومت و ایستادگی در میانه سرکوب



## زنان بلوچ

در زاهدان و سایر شهرهای استان محروم سیستان و بلوچستان، زنان در تظاهرات جمعه هر هفته که در اعتراض به سیاست های سرکوبگرانه رژیم صورت می گیرد شرکت فعال کردند.

رژیم آخوندی در سرکوب معترضان به شدت برخورد می کرد و هر بار تعداد زیادی از معترضان را دستگیر و ده ها تن را مجروح می کرد. با این وجود، زنان بلوچ از پیوستن به تظاهراتی که خواستار آزادی و دموکراسی برای همه بود، عقب نشینی نکردند.

## پرستاران

پرستاران برای مطالبه حقوق، پاداش و تعرفه های پرداخت نشده شان به ویژه در روزهای ۲۷، ۲۸ آبان ماه و ۴ آذر ماه سال ۱۴۰۲ به خیابان ها آمدند. آنها در تهران، سنج، رشت، یزد، اراک، اسلام آباد غرب و کرمانشاه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

## بازنشستگان

هر سه شنبه، بازنشستگان زن در اعتراض به شرایط وخیم معیشتی و عدم پاسخگویی رژیم آخوندی به نیازهایشان به تجمعات سراسری پیوستند.

## وکلا

روز ۴ شهریور ۱۴۰۲، وکلای زن در تظاهرات بزرگی در تهران در اعتراض به تصویب لایحه ای

توسط مجلس آخوندها که استقلال حرفه و کالت را تضعیف می کند، شرکت کردند.

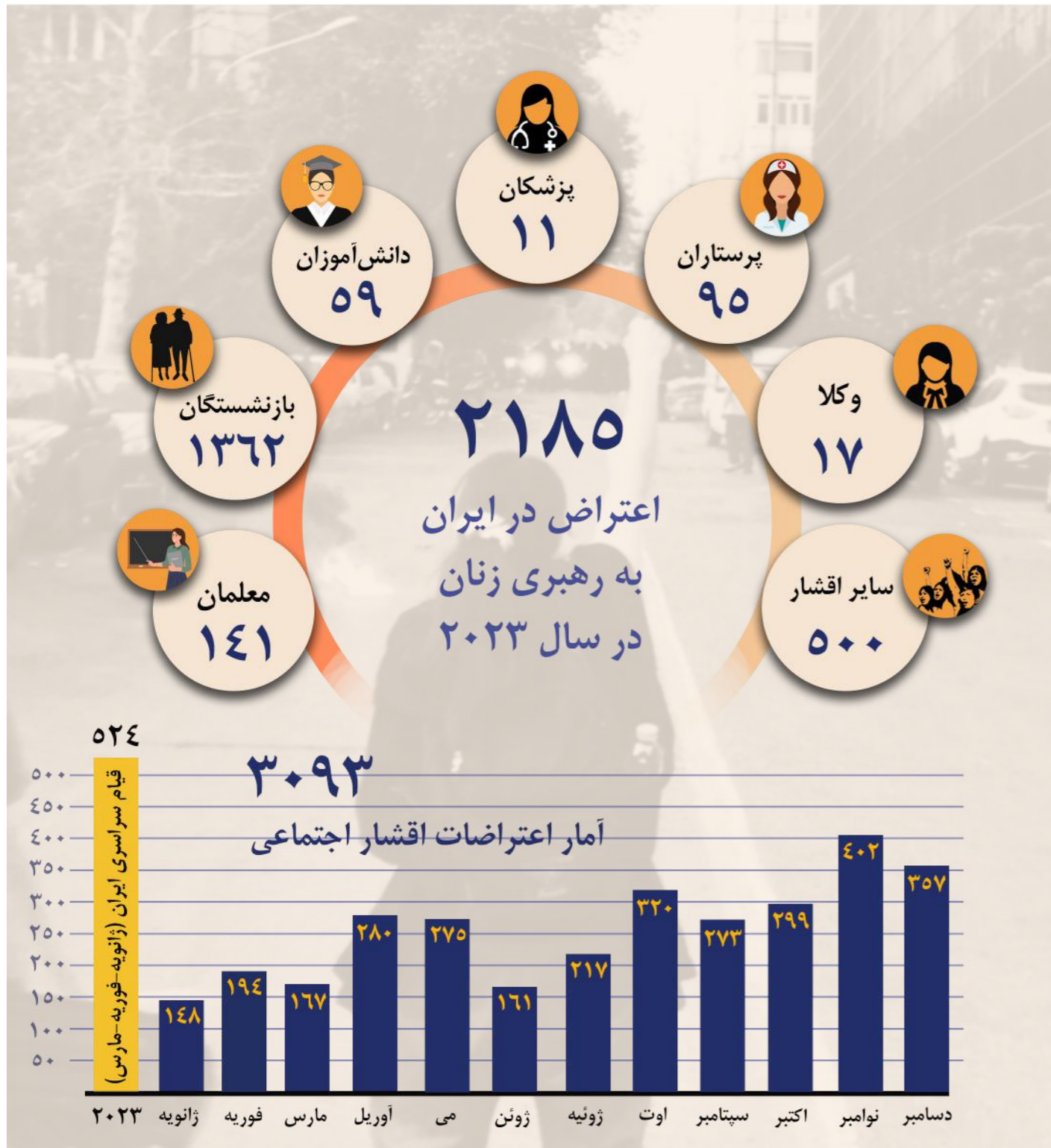
## اعتراض به آلودگی هوا

زنان اراک در اعتراض به استفاده کارخانه ها از سوخت فسیلی (مازوت) که هوای این شهر را به شدت آلوده کرده است، در روزهای ۱۲ و ۱۹ دی ماه ۱۴۰۲، تجمعات و راهپیمایی های گسترده ای در این شهر برپا کردند و خواستار توقف استفاده کارخانه شازند که نزدیک این شهر قرار دارد، از مازوت شدند.

## اعتراض به تعداد بالای اعدام ها

در ۲۹ اردیبهشت، هزاران نفر خشمگین از اعدام سه معترض زندانی در اصفهان به خیابان ها ریختند. رژیم به منظور سرکوب اعتراضات، دست کم ۱۰۰ نفر از جمله ۴۰ زن را فقط در تهران دستگیر کرد. روز اول خرداد، زنان آزادیخواه در خیابان های رشت، مرکز استان گیلان در شمال ایران راهپیمایی کردند و شعارهای ضد رژیم سر دادند. آنها به اعدام های اردیبهشت ماه اعتراض کردند و عهد کردند که راه شهدای قیام ایران را ادامه دهند و به آنها وفادار بمانند.

در ماه مه حداقل ۱۴۶ زندانی در ایران اعدام شدند که شامل ۳ زن و ۳ زندانی سیاسی می شدند. در موارد مختلف، خانواده های قربانیان اعدام و فرزندان خردسال آنها تجمعات اعتراضی برگزار کردند و از مقامات خواستند که عزیزانشان را اعدام نکنند.



## بزرگداشت جانباختگان قیام

در تظاهرات عاشورا در ۶ مرداد (یک مناسبت مذهبی) زنان و جوانان ایران برای بزرگداشت معترضان جانباخته در جریان قیام ۱۴۰۱، اقدامی آشکارا در مخالفت با رژیم کردند و در سراسر کشور برای زیارت مزار قهرمانان شهیدان خلق که جانشان را فدای آزادی ایران کرده بودند بسیجی سراسری را سازمان دادند و نقش برجسته ای از خود بارز کردند.

## برگزاری سالگرد قیام در شهر یورماه

رژیم که از آتشفشان خشم آماده فوران مردم وحشت زده است، حدود ۴۴ هزار مامور اطلاعاتی، نیروهای سپاه پاسداران، بسیج، ماموران لباس شخصی و نیروی انتظامی را فقط در تهران بسیج کرد تا به سرعت هرگونه اعتراضی را خاموش کنند. نیروهای امنیتی خیابان های منتهی به مرکز تهران را مسدود کردند. هلیکوپترها بر فراز شهر پرواز می کردند و نیروهای امنیتی با تفنگ های ساچمه ای به مردم شلیک می کردند.

در ۲۵ شهریور با وجود تشدید تدابیر امنیتی و اعمال محدودیت های اینترنتی از سوی رژیم، اعتراضات و درگیری های شبانه با نیروهای امنیتی در شهرهای مختلف از جمله تهران، کرمانشاه، مشهد، سنندج، جوققان، اراک، همدان، رشت، کرج، سبزوار، لاهیجان و دهدشت رخ داد. این در حالی بود که نیروهای نظامی و شبه نظامی رژیم به مدت چند هفته در حالت آماده باش قرار داشتند.

دست کم ۶۰۰ زن در سالگرد قیام در تهران دستگیر شدند که نشان دهنده گستردگی مشارکت آنها در اعتراضات با وجود بهای سنگین آن بود.

در زندان مخوف قرچک، زندانیان زن در روز ۲۵ شهریور به مناسبت سالگرد اعتراضات سال گذشته و اعتراض به شرایط غیرانسانی زندان تجمع کردند. ولی خواسته های مسالمت آمیز آنها با یورش وحشیانه و بی دلیل زندانبانان مواجه شد. نگهبانان بی رحمانه با گلوله به سمت زنان معترض شلیک کردند و حداقل ۲۰ نفر را مجروح کردند. تعداد زیادی از زندانیان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و به زور آنها را از بند عمومی به سلول انفرادی منتقل کردند. اوضاع به جایی رسید که بخش هایی از زندان آتش گرفت و متعاقباً به چندین بند دیگر سرایت کرد. در روز ۲۶ شهریور، درگیری های گسترده ای بین زنان و جوانان همدان با نیروهای جنایتکار سپاه و انتظامی رژیم از یک سو و از سوی دیگر با شعارهای «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر جمهوری اعدایی» رخ داد.

زنان و جوانان همدان رو در روی نیروهای امنیتی شعار می دادند «میکشم میکشم هر آنکه خواهرم کشت». این اعتراضات در منطقه ۱۳ این شهر برگزار شد. تصاویر ویدئویی از شهر، درگیری تن به تن جوانان و نیروهای امنیتی و صدای تیراندازی را نشان می دهد.

زنان شجاع به خیابان های رشت و مشهد ریختند و در روز روشن شعارهای ضدحکومتی سر دادند. جوانان روز ۲۵ شهریور در سالروز قیام سراسری در لاهیجان شجاعانه تظاهرات کردند. روز ۲۶ شهریور مردم در مناطق مختلف تهران، ارومیه، کرج





و سایر شهرها با سر دادن شعارهای ضدحکومتی خواستار سرنگونی رژیم «کودک کش» و «خامنه ای ضحاک» از پشت بام خانه های خود شدند. جمعی از زنان جوان در دبیرستانی در تبریز، سالگرد سرکوب خونین نمازگزاران زاهدان در ۸ مهر ۱۴۰۱ را یادآور شده و یاد و خاطره شهیدان آن واقعه را گرامی داشتند. زنان جوان در حرکتی نمادین با نشستن روی زمین یاد شهید محبوب قیام زاهدان، خدانور لجه ای را گرامی داشتند. کانونهای شورشی ۳ هزار عملیات ضداختناق انجام می دهند

اطلاعات سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی از دستگیری ۳۵۷ نفر در شهرهای تهران، کرج، مرودشت، بوئین زهرا، آذربایجان غربی، کهگیلویه و بویراحمد و کردستان خبر دادند که توسط رسانه های مختلف در روز ۲۶ شهریور اعلام شد. آنها همچنین از دستگیری ده ها تن از افراد وابسته به اپوزیسیون، مجاهدین خلق، خبر دادند. با این وجود، کانونهای شورشی سازمان مجاهدین خلق ایران (متشکل از زنان و مردان دلیر)، تنها در دو



روز ۲۴ و ۲۵ شهریور، ۴۱۴ عملیات ضد سرکوب را در تهران و ۴۰ شهر دیگر در اوج سرکوب انجام دادند.

این آکسیونهای اعتراضی و عملیات ضد سرکوب توسط زنان شجاع کانون های شورشی دوشادوش همزمان مردشان در تمام سال گذشته با روندی افزایش یابنده ادامه یافت و بازتاب آن در میان مردم به همراه انتشار گزارشات فعالیت هایشان بر روی شبکه های اجتماعی باعث امید و انگیزه در شهرها و استانهای مختلف علیه دیکتاتوری شد.

### اعتراض شجاعانه زنان در زندان اوین

در ۶ دی، چندین زندانی در بند زنان زندان اوین نسبت به ورود مقامات قضایی رژیم به بند خود اعتراض کرده و وادارشان کردند از بند بیرون بروند. آنها به احکام ظالمانه و ادامه بازداشت در وضعیت بلاتکلیف اعتراض داشتند و شعارهایی علیه رژیم آخوندی سر دادند.

متعاقبا، گارد زندان با یورش به بند و حمله وحشیانه به زندانیان، مقامات قضایی را از محل خارج کردند. اداره زندان، خطوط تلفن زندانیان سیاسی را قطع کرد و آنها را به طرح اتهامات جدید و تبعید داخلی به نقاط مختلف از جمله استان محروم سیستان و بلوچستان تهدید کردند.

شماری از زندانیان هوادار مجاهدین در بند زنان اوین عبارتند از:

- ۱- شیوا اسماعیلی، ۲۰ اسفند ۱۴۰۱ دستگیر و توسط آخوند دژخیم ایمان افشاری به ۱۰ سال زندان محکوم شده است. وی از بیماری سرطان رنج می برد.

## اراده شکست ناپذیر

زندانیان سیاسی مجاهدین خلق ایران



پسر وی مهدی وفاپی نیز به خاطر هواداری از مجاهدین زندانی است.

۲- سودابه فخارزاده، ۲۰ اسفند ۱۴۰۱ دستگیر و توسط آخوند دژخیم ایمان افشاری به ۵ سال زندان محکوم شده است.

۳- زینب همرنک، ۲۰ اسفند ۱۴۰۱ دستگیر و توسط آخوند ایمان افشاری به ۵ سال زندان محکوم شده است.

۴- فرشته نوری، ۱۲ تیر ۱۴۰۲ دستگیر و به ۵ سال زندان محکوم شده است.

۵- آذر موسی زاده کروندی، ۸ مرداد ۱۴۰۲ دستگیر و به ۵ سال زندان محکوم شده است.

۶- زهرا صفایی، ۲۱ شهریور ۱۴۰۲ دستگیر و به ۵ سال زندان محکوم شده است. وی از بیماری قلبی رنج می برد.

۷- مریم بانو نصیری، اردیبهشت ۱۴۰۲ دستگیر و به ۳ سال و ۷ ماه زندان محکوم شده است.

۸- ارغوان فلاحی، در ۱۲ آبان ۱۴۰۱ دستگیر شده و هنوز محاکمه نشده است. وی به همراه پدر و برادرش دستگیر شد. آنها نیز همچنان در زندان اوین هستند.

۹- پروین میرآسان، ۱۲ آبان ۱۴۰۱ دستگیر شده و هنوز محاکمه نشده است.

۱۰- مرضیه فارسی، در ۳۰ مرداد ۱۴۰۲ دستگیر شد و قرار است به اتهام بغی (که از جمله مجازات های آن اعدام است) محاکمه شود. وی از بیماری سرطان رنج می برد.

۱۱- فروغ تقی پور، شهریور ۱۴۰۲ دستگیر شده و به اتهام آخوند ساخته بغی قرار است محاکمه شود.

۱۲- نسیم غلامی فرد، شهریور ۱۴۰۲ دستگیر شده و قرار است به اتهام آخوند ساخته بغی محاکمه شود. اتهامی که اعدام یا زندان سنگین به دنبال دارد.

۱۳- الهه فولادی، ۲۱ آذر ۱۴۰۲ دستگیر شده و هنوز محاکمه نشده است.



## آزاد در اسارت

### رنج و شکنج ۱۵ ساله مریم اکبری منفرد

۹ دی ماه، مریم اکبری منفرد پانزدهمین سال حبس خود را آغاز می کند. ۱۴ سال بدون حتی یک روز مرخصی حتی برای مراقبت درمانی ضروری. مریم اکبری منفرد متولد ۲۳ آذر ۱۳۵۴ و مادر سه دختر است. او یکی از مقاوم ترین زنان زندانی سیاسی است که انتخاب کرده است بدون سر خم کردن در مقابل آخوندها آزاد و رها زندگی کند. او در نیمه شب نهم دیماه ۱۳۸۸ بدون اینکه بتواند با دخترانش خداحافظی کند «برای پاره‌ای توضیحات» به زندان اوین منتقل شد، اما هرگز به خانه برنگشت. علت حبس او دادخواهی برای چهار خواهر و برادرش است که توسط رژیم آخوندی بی رحمانه در دهه ۶۰ اعدام شدند. خواهرش رقیه اکبری منفرد، مادر یک دختر خردسال بود، که در میان زندانیان قتل عام شده در تابستان ۱۳۶۷ به پای چوبه دار فرستاده شد.

## رنگین کمان امید

مریم اکبری در طول سال‌هایی که پشت میله‌های زندان سپری کرد، همیشه الهام بخش دیگر زندانیان بوده است. قلب او به وسعت یک دریا پر از حس دوستی و محبت برای اطرافیانش است. یکی از هم سلولی‌های او، زندانی سیاسی سابق آتنا فرقدانی، او را زنی توصیف می کند که مقاومتش «رنگین کمان امید» برای همه زندانیان بود.

به همین خاطر، مسئولین زندان او را به زندانی دورافتاده فرستادند تا از الهام بخشیدنش به دیگران جلوگیری کنند. مسئولین زندان در ۱۹ اسفند ۱۳۹۹ مریم را به طور ناگهانی از اوین جابجا کرده و با نقض اصل تفکیک جرایم به زندان سمنان به میان زندانیان عادی منتقل کردند.

در زندان سمنان، برخلاف سایر زندانیان، او از ملاقات و تماس تلفنی با خانواده خود محروم بود. هر تماسی که او می گیرد باید در حضور مسئولین زندان و مأموران امنیتی باشد.

زندانی سیاسی مریم اکبری منفرد در اثر ۴۱ سال حبس از بیماری‌های مختلف رنج می برد. وزارت اطلاعات اجازه نمی دهد او بیرون از زندان به پزشک مراجعه کند. پزشک زندان برای او غذای مخصوص تجویز کرده است، اما به درخواست او برای مواد غذایی مناسب و مراجعه به پزشک متخصص پاسخی داده نشده است.

وضعیت جسمانی وی به دلیل عدم تغذیه مناسب و عدم دسترسی به درمان به شدت رو به وخامت گذاشته و دچار عوارض جانبی مختلفی شده است.

## رونمایی از شجاعت

در قلب ایران، گروهی از زنان مقاوم گواهان شجاعتی تزلزل ناپذیر و قدرتی تسلیم ناپذیر هستند که حاکمیت ظالمانه رژیم آخوندهای بی رحم را به چالش می کشند. در این قسمت، ما به داستان این افراد خارق العاده می پردازیم که مبارزه شان با شجاعت تعریف می شود





## بهای پایداری و مقاومت

قضائیه رژیم ملایان برای ممانعت از آزادی زندانی سیاسی مریم اکبری منفرد پس از پایان محکومیت ۵۱ ساله‌اش او را در دو پرونده جداگانه که توسط وزارت اطلاعات سرهم بندی شده است با تشکیل دو دادگاه فرمایشی در سمنان و اوین جمعاً به ۳ سال زندان افزوده محکوم کرد و او بایستی در مجموع متحمل ۱۸ سال حبس شود.

پرونده اول مربوط به دوران حبس او در زندان اوین بود که وی را به «تبلیغ علیه نظام» متهم نموده بود. در پرونده دوم، که مربوط به دوران حبس وی در زندان سمنان است، مریم اکبری منفرد از جمله به توهین به خامنه‌ای، تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی، نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی و تحریک مردم علیه امنیت داخلی و خارجی متهم شده است. حتی طبق قوانین و مقررات همین رژیم ضدبشری زندانی سیاسی مریم اکبری باید در سال ۱۳۹۸ پس از تحمل ۱۰ سال زندان آزاد می‌شد. دادخواهی خون شهیدان از یک دهه پیش جرم اصلی این زندانی سیاسی است.

## شمارش معکوس نفس‌گیر

سال گذشته در نامه ای که از زندان به بیرون فرستاد، مریم اکبری احساسات خود را توصیف کرد. «۱۳ سال که ثانیه به ثانیه برای گذراندنش نبردی نفس‌گیر بود. ۱۳ سال که شمردن روز به روزش (یعنی ۴ هزار و ۷۴۵ روز) آدمی را خسته می‌کند، چه برسد که بخواهد تک به تک ۴ هزار و ۷۴۵ روز را در وسط یک جنگ نابرابر باشد! این قصه ۴ هزار



صفحه ای نیست، واقعیت عریان زندگی زیر سلطه فاشیست‌هایی است که بر ما تحمیل کردند و ما نخواستیم تن بدهیم.»

مریم اکبری همچنین درباره جدایی از فرزندانش نوشت: «اگرچه با بندبند وجودم دلم می‌خواست در کنار فرزندانم می‌بودم، کدام مادری نمی‌خواهد؟ اما پشیمان نیستم، بلکه مصمم‌تر برای ادامه مسیرم هستم. این را هر بار در هر جلسه بازجویی و بازپرسی رسمی و غیررسمی گفته و از تکرارش خرسندم!»

## راز ماندگاری و مقاومت

مریم اکبری درباره رمز و راز مقاوم ماندن نوشت: «اگر از من پرسید پس چطور در میان تاریکی شکنجه و طاقت فرسای زمان دوام آوردم؟ می‌گویم شعله سرکش ایمان درون قلبم است که مرا سرپا نگه داشته است.

در میان تنهایی‌ها با دست‌های خالی این شعله گرم و سرکش همان چیزی است که بازجوها می‌خواهند از لحظه اول دستگیری آن را از زندانی برابند... تا وجودش یخ کند و تن به یوغ بسپارد... اما من در تمام ۱۳ سال با خشم مقدس از شکنجه‌هایی که شاهد بودم و بر جانم نشست، آن را شعله‌ور نگه داشتم! خندیدم و خنده تکثیر کردم که بتوانم و بتوانم بایستیم. چرا که مقاومت قلب ما است.

ایمان به مسیری که خواهر و برادرهایم برایش جان سپردند. ایمان به مسیری که قدم در راهش گذاشتم و ایمان به مشت‌های گره کرده و قدم‌های استوار



جوانانی که هم اکنون در کف خیابان با تن و جان‌شان در مقابل دیکتاتوری ایستاده‌اند.

بله ایمان به معصومیت و مظلومیت خواهر و برادرانم که هیچ وقت مرده نه انگاشتمشان... برایم زنده‌ترین بودند و هستند. در تک تک لحظات زندانم دستم را گرفتند... و اکنون در خیابان‌های ایران می‌یابمشان...»

به شعله خاموش ناشدنی امید، ایمان خلل‌ناپذیر، و عزم استوار مریم اکبری منفرد این زن ایرانی شجاع ادای احترام می‌کنیم. همانطور که او به زیبایی در پایان نامه خود نوشت: «من اینجا روزی آخر از ستیغ کوه چون خورشید سرود فتح خواهم خواند. فردا از آن ما است.»



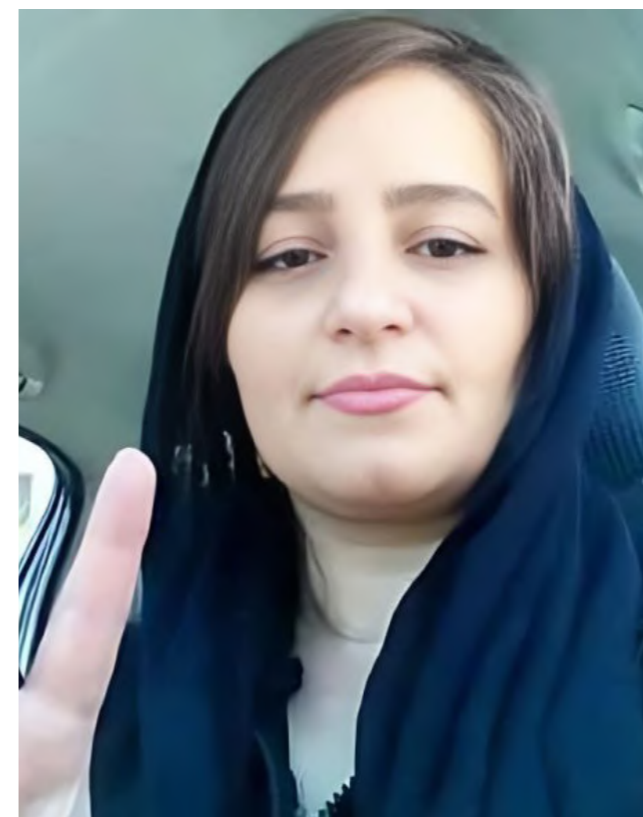


## مبارزه یک زن برای آزادی و عدالت

### وضعیت زینب جلالیان

زینب جلالیان، قدیمی ترین و تنها زن زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد است. او ۱۶ سال را پشت میله‌های زندان گذرانده است. او در تمام مدت اسارت متحمل شکنجه‌های بسیار شده است و از حق مرخصی حتی برای معالجه محروم بوده است. علاوه بر این، وی را چند بار به صورت غیرقانونی و خشونت آمیز بین زندان‌های مختلف جابجا کرده اند. به گفته وکلای او طبق قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ادامه حبس وی غیرقانونی است و او باید آزاد شود. زینب ۳۹ ساله، در ۷ اسفند ۱۳۸۶ در کرمانشاه بازداشت شد. در زندان تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفت تا مجبور به اعتراف دروغ علیه خودش بشود. بازجوهایش به شلاق زدن، مشت زدن، کوبیدن سر او به دیوار و حتی تهدید به تجاوز متوسل شدند، اما او قاطعانه از همکاری امتناع کرد. زینب جلالیان تا سال ۱۳۹۹ در زندان خوی بود تا اینکه به صورت غیرقانونی و اجباری بین زندان‌های مختلف چندبار جابجا شد. وی در حال حاضر در زندان یزد محبوس می‌باشد. فاصله دور این زندان از زادگاهش یعنی اینکه خانواده او به ندرت می‌توانند به ملاقات او بروند، البته اگر او از تماس تلفنی و ملاقات محروم نباشد.

وی در مرداد ۱۳۹۸ با وثیقه ۶۰۰ میلیون تومانی تا زمان دادگاه آزاد شد. او مجدداً در ۱۶ بهمن ۱۳۹۸، بدون احضار قبلی، در منزل خواهرش بازداشت و تحت شکنجه‌های شدید قرار گرفت. در مهرماه ۱۳۹۹ در جریان گسترش بیماری کرونا در زندان مرکزی تبریز، وی به بیماری کووید ۱۹ مبتلا شد. زندانی سیاسی معصومه صنوبری همچنین از مشکلات قلبی رنج می‌برد ولی مقامات زندان تبریز از دادن داروهای وی که توسط خانواده اش تأمین می‌شد جلوگیری می‌کردند. وی نهایتاً در سال ۱۴۰۰ از زندان آزاد گردید تا مجدداً در تاریخ ۲۲ آذر ماه ۱۴۰۱ در جریان قیام سراسری در کرج بازداشت شد.



## تنها در پشت دیوارهای زندان

### معصومه صنوبری متهم به لیدری اعتراضات

زندانی سیاسی معصومه صنوبری هم اکنون در زندان فردیس کرج موسوم به زندان کچویی محبوس می‌باشد. او از تمام حقوق خود به عنوان یک زندانی سیاسی محروم است و اوقات خود را در شرایط وحشتناکی می‌گذراند. او در سلول انفرادی نگهداری می‌شود و از هواخوری و دیدن سایر زندانیان محروم است.

معصومه صنوبری متهم به رهبری اعتراضات می‌باشد و به ۷ و نیم سال حبس محکوم شده است. او در یک اتاق انفرادی در بند زنان محبوس می‌باشد و برخلاف سایر زندانیان، زمان محدودی برای تماس با خانواده خود دارد.

بر اساس رای دادگاه، او اجازه ارتباط با سایر زندانیان را ندارد و باید در زندان «در بسته»

نگهداری شود. زمان هواخوری او فقط به هر چند روز یک ساعت محدود می‌باشد. سایر زندانیان را در زمان هواخوری او از حیاط خارج می‌کنند تا او نتواند با دیگران صحبت کند.

معصومه صنوبری اصالتاً تبریزی است. وی در تاریخ ۲۲ آذر ۱۴۰۱ در کرج دستگیر و به اداره اطلاعات این شهر منتقل شد. وی در ۱۴ دی ۱۴۰۱ پس از ۴۰ روز بازجویی به بند زنان زندان کچویی منتقل شد. شعبه یک دادگاه انقلاب کرج زندانی سیاسی معصومه صنوبری را در روز ۱۴ اسفند ۱۴۰۱ محاکمه کرد و او را به اتهام «مشارکت در اقدام علیه کشور از طریق عضویت در مجاهدین خلق، فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق شرکت در

تجمعات غیرقانونی، فعالیت تبلیغی و شعارنویسی و انتشار تصاویر رهبران مجاهدین خلق» به ۷ سال و نیم زندان محکوم نمود.

معصومه صنوبری متولد ۱۳۶۷ در تبریز و دارای یک فرزند دختر است.

معصومه صنوبری در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۹۷ دستگیر و به بازداشتگاه اطلاعات تبریز منتقل گردید. وی در زیر بازجویی تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفت و بر اثر ضربات شلاق قادر به راه رفتن نبود. به دلیل ضربات وارده به سر دچار تاری دید شد. ساق پای او در زیر شکنجه شکست و پاشنه پای او ترک برداشت. او به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «توهین» به خامنه‌ای به ۸ سال حبس محکوم و در بند زنان زندان مرکزی تبریز محبوس بود.



## سرکوب آزادی های دانشجویان

### اختناق و مقاومت در دانشگاه های ایران

«ما که حالا نزدیک به یک سالی می شود که «ما» شده ایم، هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه. از زخمی

که شهریور دهن باز کرد هنوز خون می چکد، و ما ایستاده ایم، دست در دست هم، برای آزادی.»

#### بخشی از پیام دانشجویان دانشگاه هنر تهران

دانشگاه مرکز آگاهی است و همیشه آگاه ترین جوانان به آن راه می یابند. به دلیل همین ویژگی، در دوران دو دیکتاتوری شاه و ملایان در ایران، دانشگاه همواره مهد آزادیخواهی، محل تولد جنبش های مخالف و پیشتاز اعتراضات در هر دوره بوده است.

در جریان قیام سراسری سال ۱۴۰۱ نیز دانشگاه ها کانون اصلی اعتراضات علیه رژیم آخوندی بودند. دانشجویان در ۲۰۴ دانشگاه و مدرسه عالی در سراسر ایران دست به اعتراض زدند. روزی نبود که حداقل در ۱۰۰ دانشگاه در اقصی نقاط کشور اعتراضی نباشد. به همین دلیل، رژیم ملایان برای سرکوب معترضین و خاموش کردن قیام، فشار بسیار زیادی بر دانشگاه ها وارد کرده است.

رژیم ملایان از یک سو بودجه، جذب نیرو، امکانات و قدرت ارگان های اطلاعاتی و سرکوبگر در دانشگاه ها را افزایش داده است و از سوی دیگر فشار بی سابقه ای به دانشجویان وارد می کند. ابعاد برخوردها با دانشجویان از چنان گستردگی برخوردار است که دانشجویان به دلیل نوع پوشش و سرباز زدن از حجاب اجباری و همچنین برای شرکت در هر نوع تجمع و کنش اعتراضی به سرعت به دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی و کمیته انضباطی احضار و برایشان احکام اخراج و تعلیق از تحصیل، محرومیت از خوابگاه و ... صادر می شود. علاوه بر این یکی از مقامات رژیم فاش ساخت که آنها قصد دارند برای خلاصی از این کانون اعتراض، ۸۲ درصد دانشگاه ها را تعطیل کنند.

محمد مهدی دهقان از کارگزاران وزارت علوم در این باره گفت: «در حال حاضر در ایران ۲۱۸۳ مرکز آموزش عالی وجود دارد. اما قرار است تعداد این مراکز نهایتاً به ۴۰۰ دانشگاه کاهش پیدا کند. این یعنی تنها ۱۸ درصد از مراکز آموزشی کنونی به فعالیت خود ادامه می دهند و ۸۲ درصد تعطیل و یا ادغام می شوند.» (سایت حکومتی تجارت نیوز، ۳۱ خرداد ۱۴۰۲)

با این همه دانشجویان همچنان بر عزم خود برای مبارزه با رژیم و سرنگونی آن استوار هستند. در این بخش به طور خیلی مختصر به برخی از اقدامات سرکوبگرانه علیه دانشجویان و به ویژه دانشجویان دختر می پردازیم.



سرکوب وحشیانه  
از ترس قیامی  
دیگر



## تاکتیک های سرکوبگرانه و مقاومت دانشجویان در سال ۲۰۲۳

طی سال ۲۰۲۳ بیش از ۳ هزار دانشجو به کمیته انضباطی و نهادهای امنیتی احضار شدند. نهادهای امنیتی از طریق «شماره ناشناس» با برخی دانشجویان تماس گرفته و از آنها می خواهند برای دادن «تعهد کتبی» به وزارت اطلاعات بروند. این احضارها اغلب بدون ذکر نام نهاد امنیتی تماس گیرنده بوده و دلیل احضار دانشجو نیز مشخص نبوده است.

● به گزارش خبرنگار دانشجویی امیر کبیر (۲۶ مرداد ۱۴۰۲)، در یک بازه زمانی ۶ ماهه، ۲۸۴۳ دانشجو در دانشگاه های مختلف کشور به کمیته انضباطی این دانشگاه ها احضار شدند و از آنها خواسته شده تعهد بدهند که در اعتراضات شرکت نخواهند کرد.

تازه بعد از این تاریخ، رژیم فضای سرکوب را به نحو بی سابقه ای تشدید کرد.

● روز ۱۹ مهر ۱۴۰۲ حراست دانشگاه صنعتی امیر کبیر پس از بازبینی فیلم دوربین های امنیتی مربوط به اعتراضات سال ۱۴۰۱ بیش از ۵۰ دانشجو را به کمیته انضباطی احضار کرد.

● در ۱۹ آذرماه پس از حمله فیزیکی و هتاکتی رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به دانشجویان، ۳۰ دانشجوی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران با اتهام شرکت در تجمع اعتراضی پس از این اتفاق، به کمیته انضباطی احضار شدند.



## حبس و بازداشت برای فعالان دانشجویی

در تمام طول سال گذشته حبس و بازداشت دانشجویان ادامه داشته است. چند نمونه از دختران دانشجو:

● **سارینا محمود صالحی** دانشجوی ۱۹ ساله رشته انیمیشن دانشگاه فنی و حرفه ای کرج در روز ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ به دلیل انتشار خبر مسمومیت دانشجویان این دانشگاه، توسط مأموران لباس شخصی بازداشت شد.

● **مهشید اسحاقی**، دانش آموخته کارشناسی ارشد فلسفه هنر دانشگاه هنر تهران روز ۹ خرداد ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی در شهر کرد بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل و به مدت ۱۰ روز در انفرادی محبوس بود.

● روز ۲۷ خرداد ۱۴۰۲ در حالی که نیروی انتظامی و نیروهای یگان ویژه در مقابل دانشگاه مستقر بودند، نیروهای لباس شخصی ۱۰ نفر از دانشجویان دانشگاه هنر را در مقابل پردیس باغ ملی دستگیر و به درون ماشین ون بدون پلاک منتقل و از محل خارج شدند. از جمله دانشجویان بازداشت شده، **مائده آدمی مگری**، ۲۲ ساله، دانشجوی ادبیات نمایشی دانشگاه هنر تهران و اهل مهاباد است که به بازداشتگاه وزارت اطلاعات در بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد.

● **سمانه اصغری** دانشجوی مهندسی صنایع در دانشگاه خوارزمی تهران و یک فعال حقوق زنان و کودکان است. وی در ۲۳ شهریور ۱۴۰۲ در محل سکونتش در تهران بازداشت و به زندان اوین بردند. روز ۲۵ آذر ۱۴۰۲ گزارش داد، شعبه ۲۹ دادگاه

انقلاب تهران وی را به یک سال حبس تعزیری محکوم کرد.

● **آرمینا پاپویر** دانشجوی رشته زیست سلولی و مولکولی در دانشگاه مدنی آذربایجان در روز ۳۰ شهریور توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بند زنان زندان مرکزی تبریز منتقل شد. او را از دانشگاه اخراج و به یک سال و ده ماه و ۱۷ روز حبس محکوم کرده اند.

● در روز اول سال تحصیلی جدید، نیروهای امنیتی **سحر صالحیان**، فعال دانشجویی را در سقز بازداشت کردند. او دانشجوی رشته پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی کردستان روز اول مهر توسط نیروهای امنیتی بازداشت گردید.

● **سپیده رشنو**، متولد ۱۳۷۳ اهل خرم آباد، دانشجوی مقطع کارشناسی رشته نقاشی در دانشگاه الزهرا به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری در محیط های دانشگاهی ابتدا به دو ترم محرومیت از تحصیل محکوم شد. در مراحل بعد به سه سال و ۱۱ ماه حبس محکوم شد که در مرحله استیناف میباشد.

● **نیلوفر میرزایی** دانشجوی گرافیک دانشگاه الزهرا از ۲۳ فروردین ۱۴۰۲ به دلیل شرکت در اعتراضات به مدت دو ترم از تحصیل و از امکان استفاده از خوابگاه محروم و متعاقباً به دانشگاه یزد تبعید گردید. وی در دوران قیام بازداشت و سه ماه در زندان بود. مجدداً او را به دلیل شرکت در مراسم خاکسپاری آرمینا گراوند بیش از سه ماه در زندان قرچک حبس کردند.



یکی از روشهای وحشیانه بازداشت، ربایش دانشجویان دختر در مسیر دانشگاه یا از مقابل خوابگاه هایشان بوده است.

● از جمله **فاطمه رحمتی**، ۱۹ ساله، اهل آبادان و دانشجوی حسابداری دانشگاه آزاد آبادان روز ۲۴ دی ۱۴۰۱ در هنگام رفتن به دانشگاه توسط چند لباس شخصی مسلح ربوده شد.

به گفته شاهدان او را روی زمین می کشیدند و او در تمام طول دستگیری جیغ می زد. وی به زندان سپیدار اهواز منتقل شد.

## اقدامات تنبیهی علیه دختران فعال دانشجویی

صدها دانشجو در سراسر ایران به دلیل شرکت در اعتراضات و یا عدم رعایت حجاب اجباری با حکم اخراج، محرومیت از تحصیل و حتی محرومیت از خوابگاه مواجه شدند که تنها به ذکر چند نمونه بسنده می کنیم:



● کمیته انضباطی دانشگاه زابل در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۴۰۱ حکم نهایی اخراج برای حداقل ۱۶ دانشجوی دانشگاه زابل به علت تلاش برای صرف نهار به شکل مختلط در سلف دانشگاه صادر کرد.

● هشت دانشجوی علوم پزشکی تبریز پس از اعتراض این دانشجویان به مسموم سازی گسترده مدارس به محرومیت از تحصیل و تبعید محکوم شدند.

● روز شنبه ۲۱ مرداد، شوراها صنفی دانشجویان کشور خبر داد که دست کم ۲۰۰ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه بوعلی همدان به دلیل عدم رعایت قوانین پوشش و استعمال سیگار بدون اخطار قبلی از خوابگاه محروم شدند.

● مطهره گونه ای، دانشجوی دندانپزشکی و دبیر سیاسی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و دانشکده علوم پزشکی آن، از دانشگاه اخراج و به ۲۴ ماه منع موقت از تحصیل محکوم شد.

● شقایق اکبری، دانشجوی دکترای جامعه شناسی دانشگاه تربیت معلم تهران به مدت دو ترم (۱۲ ماه) تعلیق شده است.

● فاطمه صدری فر، دانشجوی دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم، به مدت چهار ترم از فعالیت های تحصیلی تعلیق شد و باید محل تحصیل خود را تغییر دهد.

● کمیته انضباطی دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس شماری از دانشجویان رشته های پزشکی، پرستاری، هوشبری، بهداشت و فوریت های پزشکی این دانشگاه را به دلیل شرکت در اعتراضات به تعلیق اجرایی یا مشروط از تحصیل و تبعید و انتقال اجباری به دانشگاه های دیگری محکوم کرد.

● خبرنگار دانشجویی امیر کبیر ۳ آبان گزارش کرد که بیش از ۱۰۰ فعال دانشجویی دانشگاه امیر کبیر با اخراج روبرو هستند.

- ارمیتا پابویر  
دانشجو در رشته زیست شناسی سلولی و مولکولی در دانشگاه مدنی آذربایجان
- سحر صالحیان  
دانشجوی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی کردستان
- سپیده رشنو  
دانشجوی کارشناسی نقاشی دانشگاه الزهرا
- نیلوفر میرزایی  
دانشجوی رشته گرافیک دانشگاه الزهرا
- فاطمه رحمتی  
دانشجوی حسابداری دانشگاه آزاد آبادان
- سارینا محمود صالحی  
دانشجوی ۱۹ ساله رشته انیمیشن دانشگاه فنی و حرفه ای کرج
- مهشید اسحاقی  
کارشناسی ارشد فلسفه هنر دانشگاه هنر تهران
- مانده آدمی مگری  
دانشجوی رشته ادبیات نمایشی دانشگاه هنر تهران
- سمانه اصغری  
دانشجوی مهندسی دانشگاه خوارزمی تهران



## تشدید قوانین سختگیرانه پوشش

### افزایش کنترل بر دختران دانشجو

با شروع سال نو ایرانی و تشدید مقررات پوشش برای زنان و دختران در فروردین ماه، سرکوب دختران دانشجو نیز بالا گرفت.

● تاریخ ۱۴ فروردین ماه ۱۴۰۱ همزمان با بازگشایی دانشگاه تهران بعد از تعطیلات سال نو، حراست این دانشگاه به دختران دانشجو برای پوشیدن مقنعه فشار وارد کردند.

● طبق گزارشات از دانشکده هنر دانشگاه تهران، روز ۲۷ خرداد نفرات حراست جلو دانشکده سینما و تئاتر حضور داشته و چند مامور زن آورده بودند و به دانشجویان دختر مقنعه تعارف می کرده و می گفتند اگر مقنعه سرتان نکنید از امتحانات محروم خواهید شد. همچنین در دانشکده موسیقی نفرات بدون مقنعه را راه نمی دادند هر چند که دانشجویان جمعی جلو درب رفته فرد مورد نظر را به داخل دانشکده می بردند.

در همین روز نیروهای «حراست» در خوابگاه‌های دخترانه دانشگاه هنر مانع از خروج دانشجویان دانشگاه هنر بدون مقنعه حتی کسانی که قصد رفتن دانشگاه را نیز نداشته‌اند، شدند.

### سرکوب بی سابقه در تاریخ دانشگاه

اما از یک ماه مانده به سالگرد قیام ۱۴۰۱ و پس از آن بعد از شروع سال تحصیلی جدید، دانشجویان و مراکز آموزش عالی شدیدترین نوع سرکوب را حتی در مقایسه با سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ تجربه کردند.

● به گزارش دانشجویان از آغاز سال تحصیلی جدید (۱۴۰۳-۱۴۰۲)، فضای دانشگاه‌ها بسیار امنیتی شده و پر از دوربین و آدم‌های زیاد و ماشین‌هایی است که مدام در رفت و آمد هستند. نصب فناوری تشخیص چهره در اماکن و رستوران‌های دانشگاه برای شناسایی دانشجویان برای هر دانشگاه، ۷۰۰ میلیون تومان هزینه دارد.

● روز ۳ مهر، تصاویری منتشر شد که نشان می داد از خودروهای استتار شده در داخل دانشگاه تهران رژه می رفتند. گشت‌های

حجاب نیز در محوطه دانشگاه گشت می دهند و به دانشجویان تذکر می دهند.

● در دانشگاه فردوسی مشهد، به رغم تشدید تفکیک جنسیتی در فضاهای دانشگاهی مثل غذاخوری، کتابخانه، فضای سبز و ... گشت‌های حراست با مختلط نشستن دانشجویان در دانشگاه برخورد می کنند. نصب دستورالعملها و مقررات هر چه سختگیرانه تر برای پوشش دانشجویان، عملاً به عنوان اهرمی برای سرکوب هر چه بیشتر دانشجویان به کار گرفته شد. این عام‌ترین بهانه ای است که با توسل به آن نیروهای امنیتی، حراست و بسیج در دانشگاه دانشجویان را محدود و سرکوب می کنند. طی سال

۲۰۲۳ تعداد زیادی از دختران دانشجو به بهانه عدم رعایت حجاب اجباری و البته شرکت در اعتراضات از تحصیل محروم شده‌اند.

● یکی از اقدامات جدی واحدهای حراست تشدید برخورد با دانشجویان دختر هنگام ورود به دانشگاه و استفاده از فیلم‌های ضبط شده دوربین‌های دانشگاهی برای شناسایی دخترانی است که حجاب را رعایت نمی کنند. ماموران زن در ورودی دانشگاه‌ها، لباس دختران دانشجو را چک می کنند و فقط در صورت پوشیدن مقنعه، آنها را به داخل راه می دهند. دختران دانشجو همچنین ملزم به پوشیدن مانتوهای بلند تا زیر زانو هستند.

### قوانین پوشش بانوان در دانشگاه

۱. پوشاندن کامل موی سر، گردن و شانه
۲. استفاده از رنگ‌های مناسب در پوش
۳. استفاده از مانتوی بلند و متعارف
۴. استفاده از شلوار پوشیده تا مچ پا
۵. کفش متعارف و مناسب با محیط کار
۶. استفاده از جوراب غیر نازک با پوشاندگی کامل پا





● به طور مثال روز ۲۳ مهر ماه دست کم ۲۰ تن از دانشجویان دختر دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی هنگام ورود به این دانشکده از مأمورین حراست نامه‌هایی در سربرگ رسمی دانشگاه دریافت کردند که شماره نامه و تاریخ نداشتند. در این نامه‌ها به دانشجویان دختر اخطار داده شده است که «مقررات پوشش» را رعایت نکرده‌اند و در صورت تکرار، «با اختلالاتی در برنامه آموزشی خود» مواجه خواهند شد. حراست دانشگاه همچنین از دانشجویان بسیج تحت عنوان «مخبر-ضابط دانشجویی» و مأموران لباس شخصی در دانشگاه برای تصویربرداری از دختران در کلاسهای درس و محوطه دانشگاه استفاده کرده است. در برخی مواقع، در ساعتهای پایان کار دانشگاه، مأموران حراست دختران را تا درب خروجی تعقیب کرده و به نگهبان می‌گویند که مانع از خارج شدن آنها بشوند.

● در خوابگاه‌های دختران سختگیری پوشش برای دانشجویان شدت گرفته است.

علاوه بر نصب دوربین در ورودی چند خوابگاه دختران در کوی دانشگاه تهران و دانشگاه امیرکبیر، بسیاری از دانشجویان خوابگاهی دختر به خاطر پوشش بیرون دانشگاه به کمیته انضباطی احضار شده و در مواردی از ورود به خوابگاه منع شدند.

### حمله فیزیکی به دانشجویان

اعضای بسیج، مأمورین لباس شخصی، مأمورین حراست دانشگاه و حتی رئیس حراست در موارد متعددی به دانشجویان حمله فیزیکی کرده‌اند. برخوردهای فیزیکی با دانشجویان عمدتاً به بهانه عدم رعایت حجاب اجباری صورت می‌گیرد.

یک دانشجو تابلویی را در دست دارد که روی آن نوشته شده است: «به سرکوب دانشجویان به بهانه حجاب پایان دهید».

بنری که در خیابان نصب شده است به زنان هشدار می‌دهد که پیاده روی بدون حجاب اجباری در اماکن عمومی از ۱۰ روز تا دو ماه حبس و از ۵۰ هزار ریال تا ۵۰۰ هزار ریال هزینه دارد.



یک فروشگاه برای ارائه خدمات به زنان بدون حجاب تعطیل شد

تحصن دانشجویان در اعتراض به احکام قضایی علیه دانشجویان و بازداشت به دلیل نقض حجاب اجباری



● روز شنبه ۶ خرداد ۱۴۰۲ یک عضو بسیج در دانشگاه باهنر کرمان به بهانه حجاب اجباری با چاقو به یک دختر دانشجو حمله کرد و او را وحشیانه مورد ضرب و جرح قرار داد. حراست دانشگاه هیچ دخالتی در این ماجرا نکرد و خود دانشجویان به کمک دختر دانشجو رفته و مانع ضربات بیشتر به وی شدند.

● ساعت حدود ۲.۳۰ بامداد پنج شنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۲، حدود ۵۰ تن از دانشجویان دانشگاه هنر تهران که از روز قبل در اعتراض به اجباری شدن پوشش مقنعه دست به تحصن زده بودند توسط رئیس حراست دانشگاه مورد ضرب و جرح شدید قرار گرفتند. به نوشته روزنامه شرق رئیس حراست دانشگاه هنر تهران دانشجویان را «تهدید عجیبی» کرد و گفت آنها را «با دوشکا» می زنند.

● در یک واقعه شوکه کننده روز ۲۹ آبان ۱۴۰۲ در دانشگاه ملی، مأموران امنیتی نقابدار به کتابخانه، کلاسهای درس روانشناسی، کلاس های دانشکده ادبیات و دانشکده علوم انسانی حمله کرده و کارت دانشجویی دختران دانشجوی بی حجاب را مصادره کردند. دانشجویان این دانشگاه و سایر دانشگاه ها

در تهران در اعتراض به این اقدام وحشیانه به مدت دو روز دست به اعتصاب زدند و از شرکت در کلاسهای درس شان خودداری کردند.



## آزار و اذیت دانشجویان در بیرون از محوطه دانشگاه

● بیش از ۵۰ کافه در اطراف دانشگاه تهران و ۵ کافه در اطراف دانشگاه امیرکبیر با اتهاماتی چون «عدم رعایت حجاب» و «شبکه سازی» علیه رژیم تعطیل شده اند. نیروهای حراست دانشگاه در مواردی حتی به کافه های بیرون دانشگاه نیز یورش برده و اقدام به برخورد با دختران دانشجو که حجاب بر سر ندارند، کرده اند.

● یک پدیده جدید راه اندازی گشت های موسوم به «سفیران هدایت» همزمان با شروع سال تحصیلی جدید بود که در محیط اطراف دانشگاه صنعتی امیرکبیر و دانشگاه تهران با هدف برخورد با زنان و دخترانی که حجاب اجباری را رعایت نمی کنند، شروع به کار کرده اند. این گشت ها با لباس های یک شکل هم تذکر می دهند و هم فیلم می گیرند. هدف آنها چیزی جز درگیری با دانشجویان در خارج از دانشگاه نیست. آنها با هدف «تذکر لسانی» جلوی شهروندان را می گیرند اما تا برخورد شدید فیزیکی با دانشجویان نیز پیش می روند.



● نیروهای وابسته به «سفیران هدایت» دانشجویان دختر را تعقیب و در صورت تنها بودن آنها، اجازه ورود به ایستگاه مترو را نمی دهند تا به زور حجاب اجباری به سر کنند. این نیروها با دوربین های نصب شده بر روی لباس هایشان اقدام به فیلم برداری از چهره دختران دانشجو می کنند.

## پاکسازی تحصیلی

### یک کودتای فرهنگی به منظور یک دست سازی بدنه آموزش عالی

رژیم ملایان علاوه بر دستگیری دانشجویان، استادان زیادی را به دلیل حمایت از قیام یا شرکت در آن بازداشت، احضار، ممنوع الورد، تعلیق و یا اخراج کرد. هم‌زمان، برخی از رشته‌های دانشگاهی حذف و ظرفیت پذیرش برخی دیگر کاهش یافت.

● شورای امنیت کشور در پی برگزاری سلسله جلساتی در دسامبر ۲۰۲۲، استادان دانشگاه‌ها را عامل ناآرامی‌های دانسته و خواستار اخراج آنها و جایگزین کردن ۱۵ هزار عضو هیأت علمی «همسو» شده بود.

● این تصفیه که رسانه‌های حکومتی آن را «خالص سازی» و «یکدست سازی بدنه آموزش عالی» توصیف کردند، به بیش از ۱۵۰ دانشگاه ایران گسترش یافت. از ابتدای مهرماه ۳۲ هزار استاد حق‌التدریسی از واحدها و رشته‌های مختلف دانشگاه آزاد حذف شدند.

قبل از شروع سال تحصیلی جدید، اخراج استادان شتاب گرفت. شماری از استادان زن در میان استادان برکنار شدند.

اسامی برخی از استادان زن که از دانشگاه اخراج، تعلیق و یا با منع تدریس روبرو شدند به قرار زیر است:

● مهشید گوهری، استاد دانشگاه فردوسی مشهد، پس از هفت سال تدریس مستمر در مهرماه ۱۴۰۲ از دانشگاه اخراج شد.

● استادان، رهام افغانی، حمیده خادمی، آمنه عالی با سابقه ۱۰ سال تدریس، بهارک اختردانش، راحله علی مرادزاده، لیلی ورهرام، آذین موحد، سمیه سیما استاد دانشگاه تربیت مدرس تهران، سارا ملک‌ان، آرمیتا سراج زاهدی، زهرا احمدی نژاد استاد تمام وقت دانشگاه علوم پزشکی تهران، ندا تولایی و فرشته حسینی شکیب، استاد دانشگاه هنر و پریرسا پورمحمدی از اساتید باستان‌شناسی دانشگاه هنر، از دانشگاه شیراز بین ماه‌های شهریور و مهر ۱۴۰۲ اخراج شدند.

● فریبا مصطفوی، استاد بازنشسته دانشگاه الزهرا و مربی بین‌المللی تای چی درجه ۱ فدراسیون ووشو در ایران، از آبان‌ماه ۱۴۰۲ در بازداشت است.

● امان‌الله قرایی مقدم، جامعه‌شناس، درباره تاثیر اجتماعی اخراج استادان دانشگاه گفت: «امروز وقتی یک استاد اخراج می‌شود مردم می‌گویند برای اینکه آن فرد لایق بوده اخراج شده است...» (سایت حکومتی انتخاب، ۸ شهریور ۱۴۰۲)

● آنچه مسلم است، رژیم ملایان موفق نخواهد شد با تصفیه و اخراج استادان و دانشجویان معترض، دانشگاه را خاموش کند. این تلاش مذبوحانه نشان‌دهنده فقدان ظرفیت برای تحمل کمترین عدم همسویی و نشانه ضعف مفرط رژیم در مرحله پایانی حکومتش می‌باشد.



۱ حمیده خادمی  
استاد روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی



۳ بهارک اختردانش  
استاد دامپزشکی دانشگاه باهنر کرمان



۵ لیلا ورهرام  
استاد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران



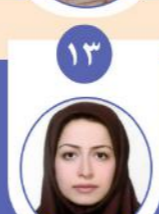
۷ سمیه سیما  
استاد دانشگاه تربیت مدرس تهران



۹ آرمیتا سراج زاهدی  
استاد طراحی صنعتی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت



۱۱ ندا تولایی  
استاد نقاشی و تاریخ دانشگاه الزهرا



۱۳ پریرسا پورمحمدی  
استاد باستان‌شناسی دانشگاه هنر شیراز



۲ مهشید گوهری  
استاد دانشگاه فردوسی مشهد



۴ آمنه عالی  
استاد روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی



۶ راحله علی مراد زاده  
عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه ایران



۸ آذین موحد  
استاد موسیقی دانشگاه تهران



۱۰ سارا ملک‌ان  
استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه امیرکبیر



۱۲ زهرا احمدی نژاد  
استاد تمام وقت دانشگاه علوم پزشکی تهران



۱۴ فرشته حسین شکیب  
استاد دانشگاه هنر



## از حمله شیمیایی تا قتل به خاطر حجاب اجباری

### وضعیت دختران دانش آموز

مثل همه برهه‌های تعیین کننده در تاریخ اخیر ایران همچون انقلاب ضدسلطنتی ۱۳۵۷ و فعالیت های سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ برای جلوگیری از تحکیم استبداد آخوندها، در قیام سراسری ۱۴۰۱ نیز دانش آموزان نقش فعال و تعیین کننده داشتند، به خصوص دانش آموزان دختر که از جمله جلوداران و هدایت کنندگان بودند. مدارس کانون شورش و اعتراض علیه رژیم بودند و دانش آموزان در موارد متعددی مقامات مزدور رژیم را از مدرسه بیرون کرده، با شعار مرگ بر دیکتاتور از شرکت در مراسم فرمایشی امتناع کردند و عکسهای علی خامنه ای رهبر ملایان را از کتابهای خود پاره و زیر پا له کردند. در برخی موارد مأموران ضدشورش با زرهی وارد مدارس دخترانه شدند.

حداقل ۷۸ دانش آموز و کودکان زیر ۱۸ سال در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ در خیابان‌ها به دست نیروهای امنیتی به وحشیانه ترین شکل کشته شدند. دهها دختر نوجوان و دانش آموز دبیرستانی در میان این شهیدان بودند.

سیدجلال حسینی، معاون سیاسی سازمان بسیج رژیم، اعتراف کرد که در میان ۳۰ هزار معترض دستگیر شده در جریان قیام ۱۴۰۱، ۷۰ درصد زیر ۲۰ سال بودند. وی به حضور گسترده زنان جوان و دختران در قیام نیز اذعان کرد. به گواهی شاهدان، در زندان عادل آباد شیراز، دهها دختر زیر ۱۸ سال از جمله به اتهام «محرابه» و «افساد فی الارض» زیر

بازجویی و شکنجه قرار داشتند. در موارد متعددی، دختران دانش آموز فعال در اعتراضات به دست نیروهای امنیتی از مدارس ربوده شدند. به این ترتیب، دختران دانش آموز در دبیرستان‌ها در جریان تلاش رژیم ملایان برای سرکوب قیام یکی از مقدم ترین اهداف بودند.

### شیوه شناخته شده برای مقابله با اعتراضات

یکی از شیوه‌های شناخته شده رژیم ملایان برای مقابله با اعتراضات و مخالفت‌های داخلی، ایجاد بحران است. همچنان که در سال ۵۹ با تحریک خمینی جنگ ایران و عراق در گرفت، و طی ماه‌های اخیر خامنه ای بانی اصلی جنگ غزه شد تا بتواند در مقابل بروز قیامی دیگر سد ببندد و در سایه انحراف توجهات به سوی جنگی ویرانگر در خاورمیانه، موج اعدامها در ایران را افزایش دهد و مخالفت‌ها را بی محابا سرکوب کند.

در جریان قیام سراسری ۱۴۰۱ نیز ایجاد بحران و انحراف اذهان به سمت سوژه‌ای دیگر به غیر از اعتراضات، برای رژیم مسئله حل کرد. حملات شیمیایی به مدارس دخترانه که تقریباً همه خانواده‌ها و همه جمعیت ایران را درگیر این پدیده می کرد، بحرانی بود که رژیم برای خاموش کردن شعله های قیام به آن نیاز داشت.

## حملات شیمیایی به مدارس دخترانه

حملات شیمیایی به مدارس دخترانه از روز ۹ آذر ۱۴۰۱ در بحبوحه اعتراضات سراسری با مسموم سازی دختر بچه های هنرستان نور در قم آغاز شد. این وضعیت تا بهمن ماه در سکوت خبری، همزمان با بی عملی و انکار و مخفی کاری مقامات محدود به مدارس قم بود. اما در روز ۲۵ بهمن این حملات به تهران و سایر شهرها گسترش یافت، به نحوی که ظرف ۵ ماه تا اردیبهشت ۱۴۰۲، بیش از ۷۰۰ مدرسه در بیش از ۱۶۰ شهر - که عمدتاً دبیرستان های دخترانه بودند - هدف این تروریسم بیولوژیکی قرار گرفتند.

وزارت بهداشت، نمایندگان مجلس و مقامات مختلف رژیم تعداد دانش آموزان آسیب دیده را بین ۵۰۰۰ تا ۱۳۰۰۰ اعلام کردند. این آمار مربوط به بهمن و اسفند ۱۴۰۱ (فوریه ۲۰۲۳) می باشد و افزایش های بعدی از سوی مقامات و منابع رسمی اعلام نشده است. حداقل ۵ کودک جان خود را در اثر این حملات از دست دادند، ولی گزارش های تأیید نشده ای در مورد تلفات بیشتر نیز وجود دارد.

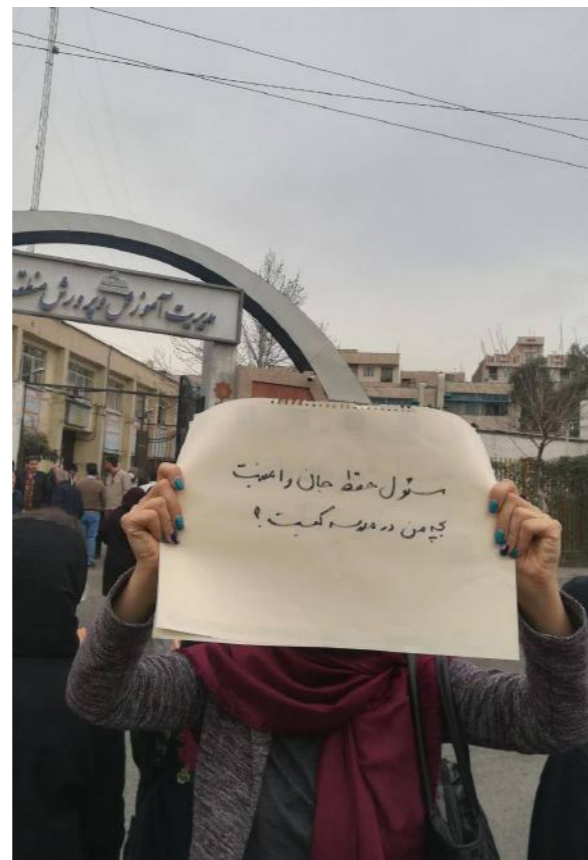




## شواهد دخالت سازمانیافته ارگان‌های حکومتی

بی‌عملی رژیم طی سه ماه و اظهارات متناقض مقامات و مسئولین، آشکارترین شواهد دال بر دخالت حکومتی در این جنایت هولناک بود. در اسفندماه، رژیم ادعا کرد که عاملان حملات دستگیر شده‌اند، اما این دستگیری‌های نمایشی موجب متوقف شدن موج مسموم سازی نشد و با بازگشایی مدارس بعد از تعطیلات نوروز، این حملات از سر گرفته شدند. علاوه بر این، رژیم پدر و مادرهای معترض و هر کس که خبر حملات شیمیایی به مدارس را گزارش یا منتشر می‌کرد، دستگیر می‌نمود. از همه مهمتر، بیمارستان‌ها و دکترها مجاز نبودند اطلاعاتی در مورد این حملات ارائه کنند و نتیجه آزمایشات در انحصار سپاه پاسداران بود که آن را علنی نمی‌کرد. مردم سوال می‌کردند چرا رژیم از دوربین‌های مداربسته که به وفور برای دستگیری معترضین و زنان مخالف حجاب اجباری استفاده می‌شود، برای دستگیری عاملان این حملات استفاده نمی‌کند؟ «سیستم امنیتی که در صورت بروز مشکل در کمترین زمان ممکن، رسیدگی، پیگیری و دستگیر می‌کند، چطور ممکن است این قضیه را نبیند؟... عدم برخورد سیستم امنیتی کشور با عوامل مسمومیت‌ها جای سوال دارد و غیر قابل قبول است.» (سایت حکومتی دیدبان ایران - ۱۵ اسفند ۱۴۰۱)

وانگهی در فضای اختناق و سرکوب حاکم بر ایران، کدام جریان از امکانات لازم برای به راه انداختن چنین موج سازمانیافته و هماهنگی در سراسر کشور برخوردار است؟ جالب این جاست که به جای نهادهای ذیربط، مانند وزارت آموزش و پرورش یا وزارت بهداشت، وزارت اطلاعات این پرونده را جمع بندی کرد. بالاخره در تاریخ ۸ اردیبهشت، وزارت اطلاعات با صدور بیانیه‌ای علت این حملات را تلاشی از سوی عوامل دشمن برای برهم زدن ثبات رژیم دانست و استفاده از مواد سمی را تکذیب کرد و گفت انتشار عوامل غیرسمی باعث هراس شده بودند. این وزارتخانه بر نقش شبکه‌های متعدد در فضای مجازی در شایعه پراکنی و مدرسه‌هراسی تأکید کرد و تهدید کرد که دست‌اندرکاران را دستگیر و مجازات خواهند کرد. وزارت اطلاعات همچنین وعده داد که هر کس را که اتهامات بی‌اساس علیه حکومت یا افراد و جریانات معتقد به نظام مطرح کند، تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.





## سرنوشت یک دختر شجاع معترض به مسموم سازی ها

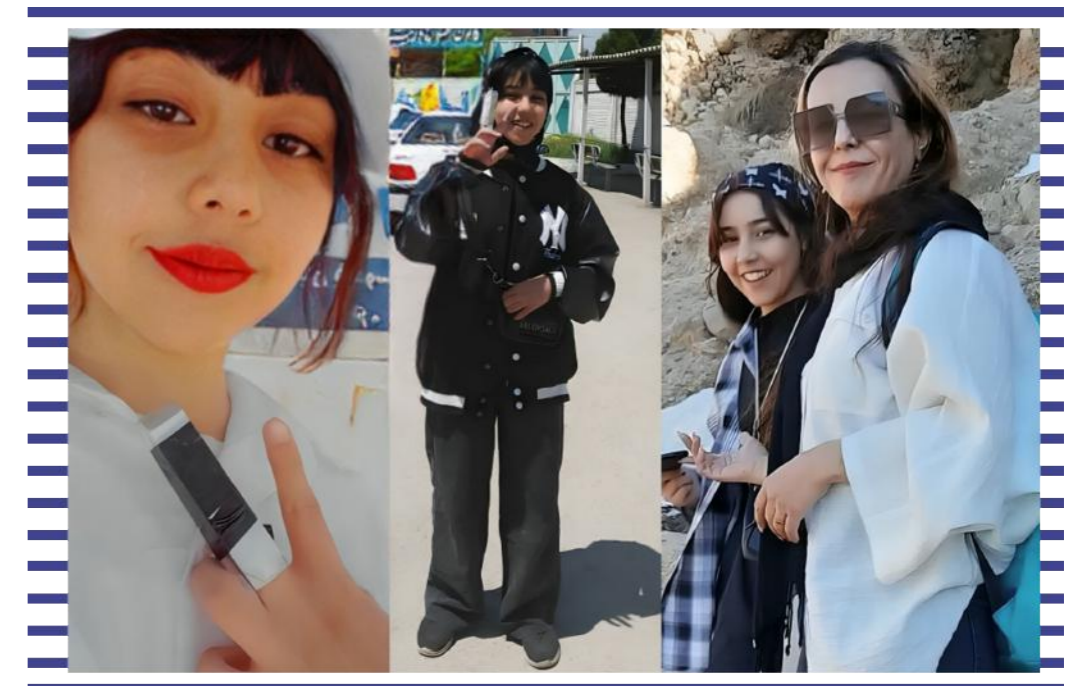
بیبا شفیعی، دانش آموز ۱۷ ساله، اهل شاهین شهر اصفهان، در جریان تجمع اعتراضی مردم این شهر به مسموم سازی شیمیایی در مدارس، با لگد گاز اشک آور را به سمت ماموران پرتاب کرد. وی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. در جریان محاکمه، او شجاعانه در مقابل قاضی و بازجوها ایستاد. به قاضی سیلی زد و انگشت میانی اش را نشان داد که به همین علت او را شکنجه و همان انگشتش را شکستند. حکم او به مدت یک سال تعلیق شد و پس از مدتی آزاد گردید. ساعت ۱۱ نیمه شب ۵ تیرماه ۱۴۰۲، مأموران اداره اطلاعات به خانه آنها حمله کردند و قصد دستگیری بیبا را داشتند. اما در غیاب او پدر و مادرش را مورد

ضرب و شتم قرار دادند و مادرش، مریم عباسی نیکو را بازداشت کرده و بردند. خانم عباسی نیکو، ۴۲ ساله و مادر دو فرزند، هم اکنون در زندان دولت آباد اصفهان به اتهام «سب النبی» محبوس می باشد.

## قتل دانش آموز ۱۶ ساله، آرمیتا گراوند، به خاطر مقاومت در مقابل حجاب اجباری

قتل دلخراش آرمیتا گراوند در اکتبر ۲۰۲۳، پس از تعرض گشت حجاب در یک ایستگاه مترو در تهران جهان را شوکه کرد. حادثه‌ای با شباهت بسیار نزدیک به قتل ژینا مهسا امینی در سال قبل در همین ایام!

به همین خاطر سرویس‌های اطلاعاتی به سرعت دست به کار شده و از همان ابتدا، کنترل اوضاع را به دست گرفتند و دسترسی رسانه‌ها، دوستان و حتی



خانواده اش را به او ممنوع کردند. مأموران اطلاعات حتی به مدرسه آرمیتا رفتند و دوستان و همکلاسی هایش را تهدید کردند و گفتند حق ندارند در این رابطه با کسی صحبت کنند و یا پستی در شبکه اجتماعی بگذارند.

همزمان خبرگزاری رسمی رژیم تصاویر تفتیح شده از دوربین‌های مداربسته ایستگاه مترو را پخش کرد و مدعی شد که آرمیتا به دلیل افت فشار به زمین افتاده و دچار ضربه مغزی شده است. جالب اینجا بود که این تصاویر شامل تصاویر دوربین داخل قطار نبود و علیرغم فشار افکار عمومی و زیر سوال بردن صحت ادعای رژیم، هرگز این فیلمها منتشر نشدند. دو شاهد به روزنامه انگلیسی گاردین گفتند که روز ۹ مهر ۱۴۰۲ (اول اکتبر ۲۰۲۳) وقتی آرمیتا در داخل قطار مترو از دستور مأمور حجاب‌بان که به



او گفته بود موهایش را بپوشاند، سرپیچی کرد، مورد حمله قرار گرفت به نحوی که سرش به یک لبه آهنی برخورد کرده و دچار ضربه و خونریزی مغزی شد.

گمان می رود، که آرمیتا هم مثل مهسا حدود سه روز پس از فرو رفتن در کما جان باخته باشد، اما سرویس‌های امنیتی با توجه به تجربه سال قبل اجازه دسترسی به آرمیتا را ندادند و خبر مرگ او را فاش نکردند. حتی مادر او که تلاش کرده بود وارد اتاق مراقبت‌های ویژه بشود را دستگیر کردند. سپس در یک اقدام کاملاً کنترل شده و حساب شده از طریق برخی رسانه‌های محدود خبر مرگ مغزی آرمیتا را یک بار در ۱۱ اکتبر منتشر و به فاصله کوتاهی تکذیب کردند. این تلاشی برای سنجش واکنش افکار عمومی به مرگ آرمیتا و همچنین گرفتن شوک این خبر قبل از انتشار قطعی آن در روز ۲۸ اکتبر بود.

آرمیتا گراوند متولد ۱۳ فروردین ۱۳۸۵ دختری سالم، با نشاط و با استعداد بود که در رشته تکواندو کمر بند مشکی درجه سه داشت و عاشق نقاشی بود.

داستان آرمیتا و بیبا و دهها دختر هم سن و سال آنها که شجاعانه در مقابل ظلم و ستم رژیم حاکم ایستادگی می کنند، داستان قیمت سنگینی است که مردم ایران برای آزادی و دموکراسی پرداخت کرده و می کنند. و بدون هیچ تردید پیروز خواهند شد.

### دستگیری و اخراج های ناعادلانه برای خاموش کردن معلمان

طی سال گذشته، رژیم ملایان با دستگیری، احضار و اخراج معلمان، فشار بیشتری را به معلمان وارد کرد. اداره حراست و هیات تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش به بازوی اجرایی نیروهای امنیتی تبدیل شده اند. آنها با پرونده سازی های بی پایه تمام تلاش خود را متمرکز سرکوب اعتراضات جامعه معلمان کرده اند.

طی دو سال گذشته، حدود ۵۰۰ فعال صنفی فرهنگیان کشور با «اتهامات واهی» بازداشت، زندانی، اخراج یا تبعید شده اند و همچنین برای تعداد زیادی از معلمان پرونده سازی شده است. دهها تن از معلمان مطالبه گر و آزادیخواه در زندان های مختلف رژیم به سر می برند. از جمله اتهامات این معلمان ملاقات با خانواده های جانبازان، اعتراضات اخیر و درج مطالبی در همبستگی با اعتراضات در شبکه های اجتماعی می باشد. رژیم ملایان همچنین از دو ترفند «حذف رتبه بندی» و «تنزل رتبه» معلمان به عنوان «راهکار مقابله با تجمعات صنفی» استفاده می کند. یک معلم اخراجی در این رابطه گفت: «تعداد ۳۰۰ الی ۴۰۰ معلم داریم که به خاطر فعالیت صنفی از رتبه بندی محروم شدند. قبل تر هر برخوردی با معلم ها متوجه رهبر فعالان صنفی می شد اما الان این برخوردها گریبان معلم هایی که فقط در تجمع شرکت می کنند را هم گرفته است.» (سایت حکومتی انصاف نیوز - ۹ دی ۱۴۰۲)

**تصفیه و خالص سازی معلمان و فرهنگیان**  
با شروع سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ وزیر آموزش و پرورش رژیم از تغییر ۲۰ هزار مدیر مدرسه خبر داد. جلال محمودزاده، نماینده مجلس رژیم از مهاباد گفت: «۱۵ تا ۲۰ هزار نفر از مدیران مدرسه به دلایل سیاسی و اعتقادی برکنار شدند.» (سایت حکومتی دیده بان ایران - ۷ آبان ۱۴۰۲)

این در حالی است سایت های حکومتی از کمبود ۳۰۰ هزار معلم خبر می دهند، فاجعه ای که می تواند تأثیر جبران ناپذیری روی آموزش و پرورش نسل آینده بگذارد. (سایت حکومتی بهار نیوز - ۸ آبان ۱۴۰۲)

محمد وحیدی نماینده مجلس از بروجرد گفت: «۶۸ هزار معلم در شروع سال تحصیلی از سیستم خارج شده اند. یعنی ۶۸ هزار کلاس درس خالی و بدون معلم... در حالی که ۱۰ سال کلاس درس دست هر کدام از این معلمان بوده است.» (سایت حکومتی رویداد ۲۴ - ۸ آبان ۱۴۰۲)

### اخراج و زندان و افزایش سرکوب

بنا بر گزارشات منابع مدافع حقوق بشر در ایران، در سال ۲۰۲۳ حداقل ۶۰ معلم به طور خودسرانه بازداشت و حبس شده اند.

- زینب همرننگ سیدبگلو ۵۰ ساله، معلم بازنشسته و زندانی سیاسی سابق ۲۰ اسفند ۱۴۰۱ دستگیر و به پنج سال حبس محکوم شد.
- روز چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲، فریبا زند کریمی ۳۵ ساله از معلمان آزادیخواه کرد، پس از احضار به اداره اطلاعات سنندج بازداشت شد. پس از بازداشت فریبا زند کریمی نیروهای اداره اطلاعات به منزل او هجوم برده و اقدام به تفتیش نمودند. خانم زند کریمی در سلول انفرادی تحت فشار مضاعف جهت اخذ اعترافات دروغین علیه خود قرار گرفت.

- اول اردیبهشت ۱۴۰۲، هیات تخلفات آموزش پرورش استان گیلان با صدور حکمی ظالمانه و غیرقانونی، خانم فریبا انامی را از کار اخراج کرد. خانم انامی بیش از ۲۵ سال به عنوان دبیر در دبیرستان های گیلان و انزلی تدریس می کرد. وی یکی از صدها فعال صنفی است که صرفاً در پی احقاق حقوق صنفی خود بوده است.

- خانم فرزانه ناظران پور، معلم ساکن تهران، در اسفندماه به اتهام «تبلیغ علیه نظام و تشویش در اذهان عمومی» به ده ماه حبس محکوم شد. پس از تأیید این حکم در دادگاه تجدید نظر، او روز ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲ به زندان اوین انتقال یافت.

- روز ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲، معلمان در ۱۴ استان ایران علیه تضییع حقوق اولیه، بازداشت معلمان، عدم رتبه بندی و یکسان سازی حقوق و مسموم سازی سریالی دانش آموزان، اقدام به برگزاری تجمعات اعتراضی کردند. در جریان این اعتراضات شمار قابل توجهی از معلمان بازداشت و حبس شدند.

- عاتکه رجبی، معلم دبستان ابوذر در یکی از روستاهای مشهد به دلیل حمایت از قیام سراسری در تاریخ ۱۵ دی ۱۴۰۱، از آموزش و پرورش استان خراسان اخراج شده بود. وی روز ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ حین خروج از منزل برای پیوستن به تجمع اعتراضی معلمان در مشهد بازداشت و در بازداشتگاه اداره اطلاعات مشهد دست به اعتصاب غذا زد. خانم رجبی ۵ روز بعد به طور موقت آزاد شد ولی در تاریخ ۸ آبان ۱۴۰۲ به شش ماه حبس محکوم شد. وی روز ۵ آذر برای سپری کردن دوران محکومیت خود به زندان وکیل آباد مشهد منتقل شد.

- همچنین خانم فاطمه تدریسی روز ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ در تجمع معلمان در میدان بهارستان تهران توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان قرچک ورامین منتقل شد. وی پس از دو ماه از اتهامات تبرئه و از زندان آزاد شد.

- مریم جلال حسینی، روز ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ در جریان تجمع سراسری معلمان در تهران دستگیر و به زندان قرچک ورامین منتقل شد.



وی پس از بیش از دو ماه از اتهام «اخلال در نظم عمومی» تیرئه و از زندان آزاد شد. مجدداً در سالگرد قیام ۱۴۰۱، مریم جلال حسینی را بازداشت و او را به زندان کجویی کرج فرستادند. وی به صورت بلا تکلیف در زندان کجویی به سر می برد و از رسیدگی های پزشکی محروم می باشد.

● در خرداد ماه ۱۴۰۲، مژگان باقری و زهرا اسفندیاری از معلمان شیراز و استان فارس به ترتیب به ۵ سال و ۲ سال حبس تعزیری محکوم شدند.

● طبق گزارش های منتشر شده در ۲۴ مرداد ۱۴۰۲، شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران، طاهره نقی ئی، دبیر کل سازمان معلمان ایران را به شش ماه حبس تعلیقی، پرداخت جزای نقدی، ممنوعیت خروج از کشور و سایر محرومیت های اجتماعی محکوم کرد. اتهام خانم نقی ئی «تبلیغ علیه نظام» است. وی قبلاً در دبیرستان های منطقه ۵ تهران تدریس می کرد.

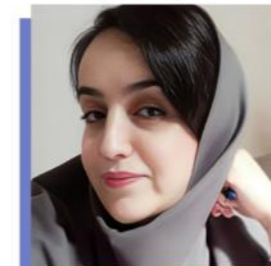
● کوکب بداعی پگاه، دبیر تربیت بدنی مقطع دبیرستان مدارس شهرستان ایزده در ۲۷ خرداد ۱۴۰۲ به همراه ۱۰ تن دیگر از معلمان فعال در خوزستان محاکمه و در ۲۷ تیرماه ۱۴۰۲ به حکم هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان به طور موقت از کار برکنار شد.

● سارا سیاه پور فعال صنفی معلمان در تهران که در ۶ شهریور ۱۴۰۱ بازداشت شده بود، در دی ماه ۱۴۰۱ به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد.

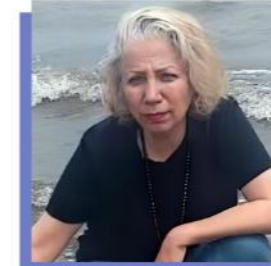
شیوا عاملی راد



فریبا زندکریمی



فاطمه تدریسی



مژگان باقری



دکتر لیدا اسماعیلی



فریبا انامی



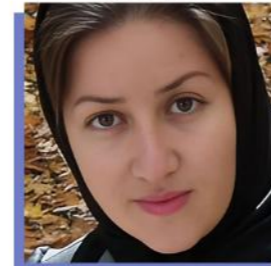
سروه پورمحمدی



زهرا اسفندیاری



مریم عامری



فریده قهرمانی فر



کوکب بداعی پگاه



زینت هم رنگ سیدبگلو



عاتکه رجیبی



منصوره عرفانیان



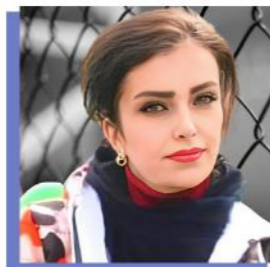
سارا سیاه پور



فرزانه ناظران پور



مریم جلال حسینی



طاهره تقی ئی



شهناز رمارم



● فریده قهرمانی ۶۴ ساله، معلم کرد از کرمانشاه در شهریور ماه ۱۴۰۲ بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل گردید.

● مریم عامری از فعالان فرهنگی عرب ساکن اهواز در شهریور ۱۴۰۲ در میانه موجی از دستگیری ها در آستانه سالگرد قیام سراسری سال ۱۴۰۱ بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. مریم عامری دست اندرکار گردآوری قصه ها، لالایی ها و ترانه ها به زبان عربی جهت ثبت تاریخ شفاهی است.

● شیوا عاملی راد در شهریور ماه ۱۴۰۲ توسط اداره آموزش و پرورش میوان بدون اعمال روند اداری و امکان اعتراض اخراج شد. اخراج وی به دلیل شرکت در یک مراسم بین المللی بدون حجاب اجباری، عنوان شد.

● منصوره عرفانیان از معلمان مشهد، در مهر ماه ۱۴۰۲ بازداشت و به زندان وکیل آباد منتقل شد.

● شهناز رمارم، با ۲۸ سال خدمت و دبیر آموزش و پرورش در آبان ماه ۴۰۲ به دلیل اعتراض به کشته شدن ابوالفضل آدینه زاده، دانش آموزی که در قیام مشهد در ۴۰۱ به شهادت رسید از خدمت برکنار شد.

● در ۵ آبان ماه ۱۴۰۲ سروه پورمحمدی از مدرسین زبان کردی در سنندج به ده سال زندان محکوم شد.



● دکتر لیدا اسماعیلی، فعال صنفی معلمان در گیلان و البرز، روز ۱۸ مرداد ۱۴۰۲ با رأی هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان آموزش و پرورش استان البرز، به دلیل «شرکت در تجمع اعتراضی معلمان و دفاع از حق آموزش رایگان برای همه دانش آموزان»، به بازنشستگی اجباری با تقلیل گروه سابقه خدمت محکوم شد.

وی روز ۳ اسفند ۱۴۰۱ در یک سخنرانی در تجمع معلمان در بندرانزلی گفته بود: «ما بانک ملی و صندوق ذخیره فرهنگیان و صندوق توسعه را چپاول نکردیم. ما در کانادا ویلا و باغ نداریم. اسناد مملکت را بیرون نبرده ایم. آدرس ما سراسر است: در مدرسه و کلاس درس. گریبان معلم را گرفتن، افتخار نیست.»

به گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، دو هفته بعد از شروع سال تحصیلی، نیروهای حراست به لیدا اسماعیلی اعلام کردند به استان هرمزگان و شهر بندرعباس تبعید شده است و باید به آنجا نقل مکان کند. با اعتراض ایشان و فشار فعالان صنفی، تبعید به هرمزگان متوقف می شود، اما با فشار

نیروهای حراست، بدون هیچ حکمی از مراجع، حکم تبعید این فعال صنفی به شهرستان فردیس ابلاغ و اجرا می گردد. لیدا اسماعیلی در اردیبهشت ۱۴۰۱ در جمع معلمان معترض در رشت گفته بود:

«تا زمانی که مطالبات فرهنگیان محقق نگردد، ما خیابان را ترک نخواهیم کرد. خیابان از آن ماست تا زمانی که تمام مطالبات محقق گردد. سرکوب، زندان و پرونده سازی قادر نخواهد بود جنبش معلمان را یک گام به عقب براند... منشأ سیاست های آموزشی در ایران و نگاه ایدئولوژیک به امر آموزش، ریشه در سیاست های کلان نظام سیاسی و مورد توافق جناح های درون حکومت است... خواسته ما این است که حقوق تمام معلمان شاغل و بازنشسته به بالای خط فقر برسد... ما خواهان توقف سیاست های ضد آموزشی خصوصی سازی و پولی سازی آموزش هستیم. تبعات این سیاست، افزایش شمار کودکان کار و بازمانده از تحصیل و گسترش آسیب های اجتماعی است. ما این آسیب ها را محکوم می کنیم.»



## وکلاي دادگستري زیر ضرب

### سرکوب بی سابقه و کلایي که از معترضان حمایت می کنند

وکلاي دادگستري یکی از اقشاری بودند که چه در جریان قیام ۱۴۰۱ و چه بعد از آن به دلیل دفاع از معترضان و فعالان مدنی و سیاسی و یا حتی به دلیل اظهار نظر در شبکه های اجتماعی در باره حقوق مردم و برخوردهای ناعادلانه قضایی، هدف سرکوب رژیم ملایان قرار گرفتند.

یکی از حقوقدانان در این رابطه گفته بود که فشارهای ماه های پس از قیام بر وکلا در سه دهه گذشته «بی مانند» بوده است.

بنا بر برخی گزارشات، از ابتدای قیام ۱۴۰۱ به مدت ده ماه یعنی از اواخر شهریور ۱۴۰۱ تا خرداد ۱۴۰۲ به مدت ده ماه با ۱۲۹ وکیل برخوردهای قضایی و امنیتی صورت گرفت. رژیم همچنین ۵۵ تن از وکلای دادگستري در سراسر ایران را بازداشت و برای آنها پرونده قضایی تشکیل داد.



نهادهای اطلاعاتی و قوه قضائیه رژیم با هدف ممانعت در روند دفاع قانونی از معترضان بازداشتی، به بازداشت وکلای دادگستري اقدام کرد. دستگاه قضایی رژیم اتهاماتی مانند «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «تشویق به فساد و فحشا» را به وکلا نسبت می دهند.

حملات هدفمند به وکلا نشاندهنده تهدید و فشاری است که بر این قشر وارد می شود و بر این واقعیت تأکید دارد که وکلایي که مروج و مدافع عدالت و حقوق بشر در ایران هستند با چه عواقبی مواجه هستند.

بازداشت

۵۵

تن از وکلای دادگستري  
در سراسر ایران  
و تشکیل پرونده قضایی برای آنان

برخوردهای قضایی و امنیتی با

۱۲۹

وکیل

از ابتدای قیام ۱۴۰۱  
یعنی از اواخر شهریور ۱۴۰۱  
تا خرداد ۱۴۰۲

## زنان وکیل در تیررس رژیم با سرکوب شدید مواجه می شوند

در این سطور به نمونه هایی از برخوردهای امنیتی با زنان وکیل اشاره می شود:

- در بهمن ۱۴۰۱، وکیل فرزانه زیلابی، به یک سال و نیم حبس محکوم شد. فرزانه زیلابی وکیل پرونده کارگران نیشکر هفت تپه و بسیاری از پرونده های زندانیان و بازداشت شدگان بود. این وکیل فداکار بدون کوچکترین چشمداشتی بعضاً با هزینه شخصی خود به دفاع از حقوق بازنشستگان و کارگران به ویژه در جنوب کشور مشغول بود.

- در بهمن ماه ۱۴۰۱، نگین کیانی، وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای آذربایجان شرقی در دادگاه تجدید نظر به پرداخت ۱۰ میلیون تومان جزای نقدی و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور و ضبط تلفن همراه محکوم شد.

- کژال وطن پور حقوقدان، به دو سال و شش ماه حبس محکوم شد و در بهمن ۱۴۰۱ برای اجرای حکم روانه زندان ایلام گردید. او در ۳۰ شهریور هنگامی که در راه بازگشت به منزل بود توسط چند نفر لباس شخصی با خشونت زیاد بازداشت و به بازداشتگاه امنیتی در ایلام منتقل گشته بود.

- توتیا پرتوی آملی، وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای دادگستری مرکز در اردیبهشت ۱۴۰۲ به دادرسی احضار شد. پیش از این نیز مرجان اصفهانیان، سارا حمزه زاده و ثمین چراغی به دادرسی اوین احضار شدند.

- وکیل مرضیه نیک آرا در اردیبهشت ۱۴۰۲ در دادگاه انقلاب به یک سال حبس تعزیری محکوم شد.

- در خرداد ۱۴۰۲ وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز، فروغ شیخ الاسلامی وطنی، به دادرسی اوین احضار شد. این وکیل دادگستری در شهریور ماه ۱۴۰۲ به ۱۰ سال حبس محکوم شد.

- در آذر ۱۴۰۲ وکیل پایه یک دادگستری، مریم صدرنیا بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

- لازم به یادآوری است که در جریان قیام ۱۴۰۱ حداقل سه وکیل زن به نامهای مریم آروین، ۲۹ساله، و نرگس خرمی فرد و محبت مظفری که فارغ التحصیل دکترای رشته حقوق بود به دست رژیم کشته شدند. هر سه نفر در اثر تزیقاتی که بعد از شکنجه در زندان به آنها شده بود بعد از آزادی از زندان جان باختند.

همچنین آستاره (مریم) انصاری، نازنین سالاری، بهار صحراییان و فرشته تابانیان نیز از جمله وکلایی بودند که در جریان قیام ۱۴۰۱ بازداشت و حبس شدند.

شجاعت آنها در رویارویی با سرکوب رژیم، یادآور خطرات ناشی از حمایت از حقوق بشر و عدالت در ایران است.

(از راست به چپ) فرزانه زیلابی - سارا حمزه زاده - مرجان اصفهانیان - توتیا پرتوی آملی - آستاره انصاری



(از راست به چپ) بهاره صحرائیان - فروغ شیخ الاسلامی وطنی - مریم صدرنیا - نازنین سالاری - نگین کیانی



(از راست به چپ) کژال وطن پور - فرشته تابانیان - مرضیه نیک آرا - ثمین السادات چراغی

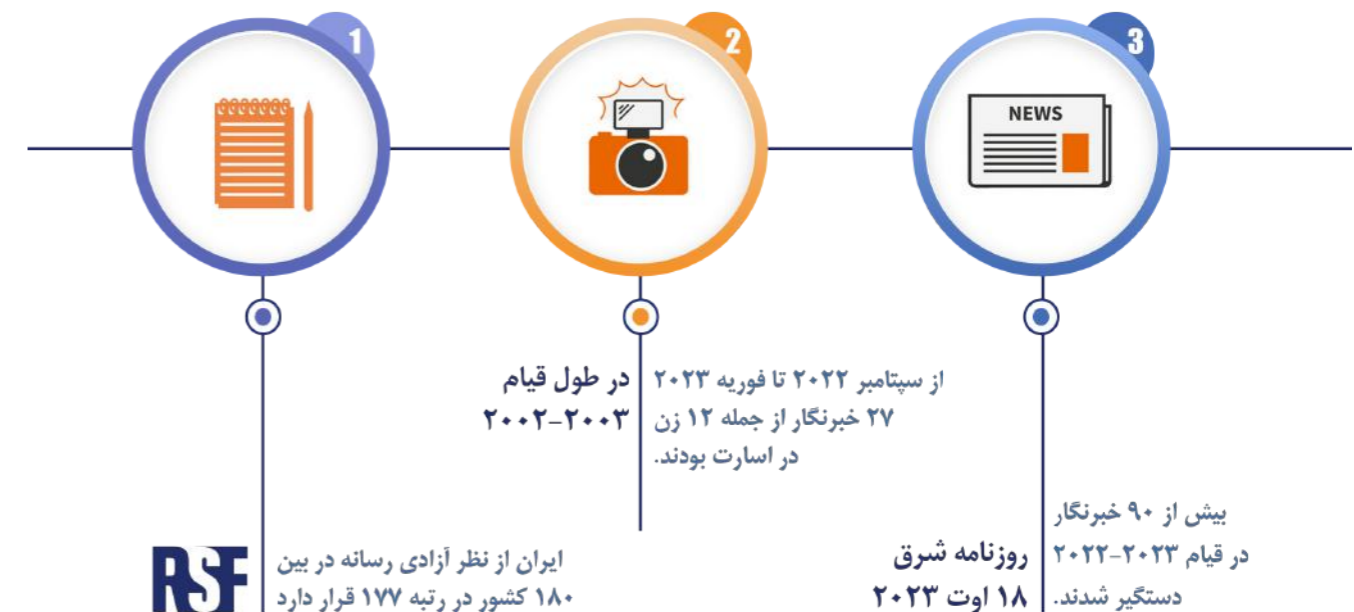




## افزایش سرکوب خبرنگاران بعد از قیام ۱۴۰۱

سازمان گزارشگران بدون مرز در باره آزادی رسانه ها در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ ایران را از میان ۱۸۰ کشور در جایگاه ۱۷۷ قرار داد. رژیم آخوندی به طور خاص پس از قیام ۱۴۰۱، سرکوب و بازداشت خبرنگاران و فعالان رسانه ای را افزایش داد. در جریان قیام سراسری سال ۱۴۰۱ و پس از آن، تعداد زیادی از روزنامه نگاران و خبرنگاران بازداشت شدند. تا ماه بهمن ۱۴۰۱ تعداد ۲۷ نفر از روزنامه نگاران

بازداشتی، شامل ۱۲ زن، همچنان در اسارت بودند. بر اساس گزارشات رسمی و غیررسمی، آمار روزنامه نگاران بازداشت یا احضار شده از آغاز قیام ۱۴۰۱، حدود ۱۰۰ نفر بود. روزنامه حکومتی شرق در این مورد در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۴۰۲ نوشت بیش از ۹۰ روزنامه نگار ظرف ده ماه در شهرهای مختلف ایران دستگیر شدند.



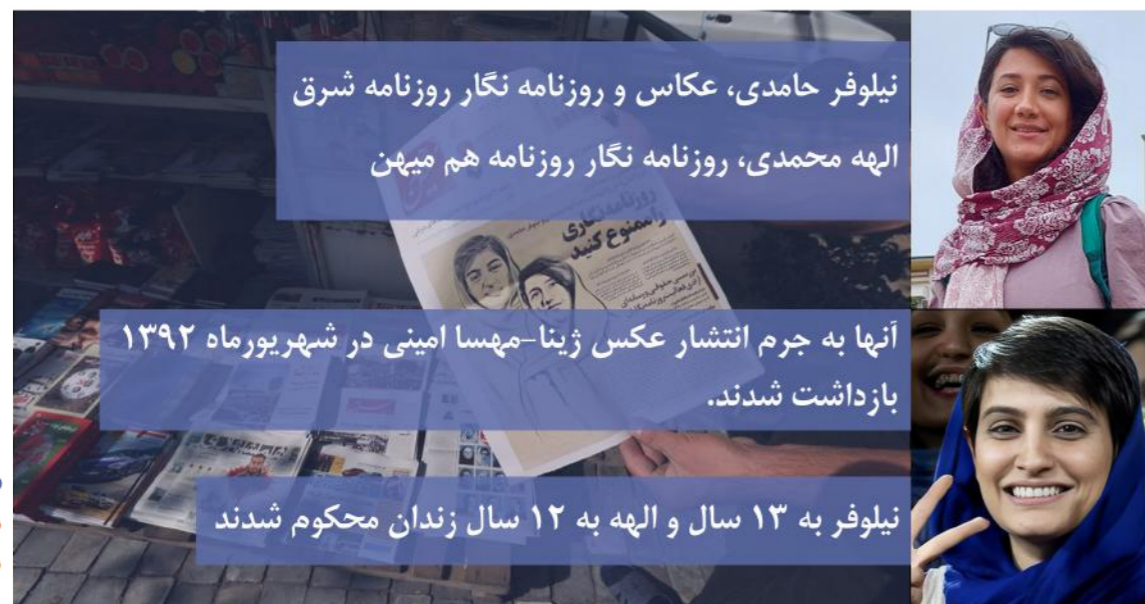
## وضعیت زنان روزنامه نگار زندانی

در ژانویه ۲۰۲۳، هم زمان با تداوم قیام در ایران، روزنامه نگاران متعددی از جمله زنان، حبس و زندانی شدند. برخی تا به امروز در بازداشت به سر می برند، در حالی که برخی دیگر با نتایج قانونی متفاوتی مواجه شدند. از احکام حبس تا آزادی موقت به قید وثیقه، و تعدادی از آنها تبعید را انتخاب کردند.

● نیلوفر حامدی، عکاس و روزنامه نگار روزنامه شرق، و الهه محمدی، روزنامه نگار روزنامه هم میهن، در شهریور ۱۴۰۱ دستگیر و زندانی شدند. جرم آنها انتشار عکس و گزارش از وضعیت ژینا مهسا امینی در بیمارستان و مراسم خاکسپاری او بود. ولی به اتهام واهی «همکاری با دولت متخاصم» نیلوفر به ۱۳ سال و الهه به ۱۲ سال حبس محکوم شدند.

این دو روزنامه نگار روز ۲۴ دی ماه ۱۴۰۲ با وثیقه های ۱۰ میلیارد تومانی به طور موقت از بند زنان زندان اوین آزاد شدند.

- مهرانوش طافیان، خبرنگار محلی در اهواز در دی ماه ۱۴۰۱ به یک سال حبس و دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد.
- ویدا ربانی، ۳۴ ساله، روزنامه نگار حق التحریر، در حال گذراندن دوران محکومیت شش ساله خویش در بند زنان زندان اوین می باشد. او با بیماری های مختلف دست و پنجه نرم می کند.
- در اردیبهشت ۱۴۰۲ مریم وحیدیان، روزنامه نگار حوزه کاری خبرگزاری ایلنا، به چهار سال حبس محکوم شد.

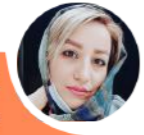




- دو خواهر روزنامه نگار زهرا و هدی توحیدی از خرداد ۱۴۰۲ با حکم یک سال حبس در بند زنان زندان اوین محبوس بودند. آنها در دی ماه از زندان آزاد شدند.
- در ۲۰ مرداد ۱۴۰۲ آزاده پیراکوه، خبرنگار ورزشی روزنامه ایران، به دلیل نوشتن مطلبی در انتقاد از وزیر ورزش رژیم از کار اخراج شد.
- در ۳ مرداد ۱۴۰۲ مرضیه محمودی، خبرنگار و سردبیر سایت خبری تجارت نیوز، به خاطر یک توثیت دوبار جریمه نقدی و به شهر دورافتاده تربت جام در مرز افغانستان تبعید شد. وی روز ۲۵ آذر از قطع همکاری خود با تجارت نیوز به دلیل فشار زیاد خبر داد.
- در ۱۱ شهریور ۱۴۰۲، الناز محمدی و نگین باقری، روزنامه نگاران روزنامه های هم میهن و هفت صبح، به اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم و همکاری با دول متخاصم خارجی، هر کدام به سه سال حبس تعلیقی و مجازات های تکمیلی محکوم شدند. الناز محمدی، روزنامه نگار و دبیر اجتماعی روزنامه هم میهن و خواهر دو قلو الهه محمدی، نیز در ۱۶ بهمن ۱۴۰۱ بازداشت و در تاریخ ۲۳ بهمن بعد از تبرئه از اتهامات آزاد شد. وی روز ۲۳ آذر ۱۴۰۲ خبر داد که مجبور به استعفا از هم میهن شده است.
- نازیلا معروفیان، روزنامه نگار اهل سقز و ساکن تهران از آبان ۱۴۰۱ تا شهریور ۱۴۰۲ حداقل ۴ بار بازداشت شد. وی دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی تهران و خبرنگار رویداد ۲۴ بود که به دلیل انتشار مصاحبه های خود با پدر مهسا امینی در سایت رویداد ۲۴ در مهر و آبان ۱۴۰۱،

- بازداشت و در بند ۲۰۹ اوین برای اعتراف اجباری تحت فشار قرار گرفت.
- او دو بار در زندان دچار سکته قلبی خفیف شد. وی نهایتاً در پائیز ۱۴۰۲ از ایران گریخت و فاش ساخت که در زندان مورد تعرض قرار گرفته است.
- مریم لطفی، خبرنگار روزنامه شرق نیز روز ۹ مهر که برای تهیه گزارش به بیمارستان محل بستری آرمتا گراوند رفته بود بازداشت و تحت بازجویی قرار گرفت و پس از ساعاتی آزاد شد. آرمتا گراوند ۱۷ ساله در همان روز در یک قطار مترو در تهران مورد تهاجم مأموران حجاب بان قرار گرفت و دچار ضربه مغزی و خونریزی مغزی شد.
- لیلا میرخوشحال، مدیر سابق کمپین معلولان، روز ۱۸ مهر ۱۴۰۲ به حراست بهزیستی قزوین احضار شد و از صبح روز ۱۹ مهر اطلاعی از او در دست نیست. وی خود دچار بیماری SMA است و معلولیت جسمی دارد.
- ۲۹ مهر ۱۴۰۲ بهار شبانکارثیان، خبرنگار روزنامه اعتماد، به دلیل انتشار گزارشی از سرقت منزل (کارگردان سینما) داریوش مهرجویی و همسرش که در همان هفته به قتل رسیده بودند، به وزارت اطلاعات احضار شد.
- نگار استاد آقا، روزنامه نگار و ویراستار ارشد اعتماد آنلاین، روز ۹ آبان ۱۴۰۲ که در مراسم خاکسپاری آرمتا گراوند در تهران بازداشت و روز ۲۰ آبان از زندان قرچک ورامین آزاد شد.

- الهه موسوی، خبرنگار حوزه محیط زیست، به دلیل فعالیت رسانه ای خود در آبان ماه ۱۴۰۲ به داسرا احضار شد.
- نسیم سلطان بیگی، روزنامه نگار حق التحریر، و سعیده شفیعی، روزنامه نگار آزاد، در آبان ۱۴۰۲ برای گذراندن محکومیت ۳،۵ ساله خود رهسپار زندان اوین شدند.
- زینب رحیمی، خبرنگار محیط زیست که در سال ۹۹ به دلیل انتشار مطالبی در توثیت از خبرگزاری ایسنا اخراج شده بود در روز ۳ آبان ۱۴۰۲ به خاطر بازنشر یک خبر درباره آرمتا گراوند به جرم «نشر اکاذیب و جریحه دار کردن عفت عمومی» تفهیم اتهام شد و به قید کفالت آزاد شد تا تعیین تکلیف نهایی.
- منیژه مؤذن، مترجم و خبرنگار اقتصادی هفته نامه تجارت فردا، روز ۱۷ آبان ۱۴۰۲ در محل کارش در تهران بازداشت و در تاریخ ۶ آذر به قید وثیقه و به طور موقت از زندان اوین آزاد شد.
- روز ۲۰ آبان ۱۴۰۲ نسیم طواف زاده، مدیر مسئول پایگاه خبری مرور و مؤسسه محیط زیستی سبز کاران بالان، هلاله ناطق، عضو سبز کاران و خبرنگار پایگاه مرور، توسط اطلاعات سپاه رشت بازداشت و روز ۲۵ آبان آزاد شدند.
- مریم شکرانی، روزنامه نگار و دبیر اقتصادی روزنامه شرق، روز ۴ آذر ۱۴۰۲ در پی بازنشر خبر آرمتا گراوند به جرم «نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام» بازداشت و روز ۶ دی ۱۴۰۲ به قید کفالت آزاد شد.



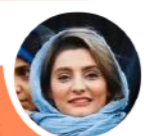
مهرنوش طاقتیان

خبرنگار محلی در اهواز در دی ماه ۱۴۰۱ به یک سال حبس و دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد



مریم وحیدیان

روزنامه نگار حوزه کارگری خبرگزاری ایلنا در اردیبهشت ۱۴۰۲ به چهار سال حبس محکوم شد



الناز محمدی

روزنامه نگار روزنامه هم میهن در ۱۱ شهریور ۱۴۰۲ به سه سال حبس تعلیقی و مجازات های تکمیلی محکوم شد



نسیم سلطان بیگی

روزنامه نگار حق التحریر در آبان ۱۴۰۲ برای گذراندن محکومیت ۳/۵ ساله خود رهسپار زندان اوین شد



سعیده شفیعی

روزنامه نگار آزاد در آبان ۱۴۰۲ برای گذراندن محکومیت ۳/۵ ساله خود رهسپار زندان اوین شد



مرضیه محمودی

خبرنگار و سردبیر سایت خبری تجارت نیوز در ۳ مرداد ۱۴۰۲ به خاطر یک توثیت دوبار جریمه نقدی و به شهر دورافتاده تربت جام در مرز افغانستان تبعید شد



مریم لطفی

خبرنگار روزنامه شرق؛ روز ۹ مهر ۱۴۰۱ که برای تهیه گزارش به بیمارستان محل بستری آرمتا گراوند رفته بود بازداشت و تحت بازجویی قرار گرفت



زینب رحیمی

خبرنگار حوزه محیط زیست؛ در اسفند ماه ۱۴۰۱ احضار شد. وی در سال ۱۳۹۹ به دلیل انتشار مطالبی در توثیت از خبرگزاری ایسنا اخراج شده بود

## آزار و اذیت و سرکوب خانواده های جانبختگان قیام

نیروهای امنیتی رژیم در سالگرد قیام ۱۴۰۱ روند آزار اذیت و ارباب خانواده های شهیدان این قیام را شدت بخشیدند تا به خیال خود خانواده ها را مجبور به سکوت کنند. رژیم به خوبی می دانست که این مراسم تبدیل به کانون اعتراض و شورش علیه حکومتش می شود لذا دست به سرکوب و دستگیری های گسترده خانواده های شهدا در سالگرد قیام و ماه های قبل از آن زد. رژیم به خانواده های شهدا اجازه برگزاری مراسم سالگرد عزیزان خود را نداد. حتی اجرای مراسم ترحیم در خانه که یک آئین سنتی در ایران می باشد، ممنوع شد. علاوه بر دستگیری و بازداشت های خودسرانه و محدودیت های ظالمانه برای جلوگیری از برگزاری تجمعات مسالمت آمیز بر سر مزار شهیدان، اقدام به از بین بردن و تخریب سنگ قبر شهدا کرد.

● سازمان عفو بین الملل در بیانیه ای در ۳۰ مرداد ۱۴۰۲ اعلام کرد: «این رفتار آزارگرانه مقامات رژیم را که موجب تحمیل درد و رنج روحی به خانواده های داغدار شده را به مثابه نقض ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز در قوانین بین المللی در نظر می گیرد.»

رژیم با منع کردن خانواده ها از مطالبه عدالت، حقیقت و دریافت غرامت و یا حتی گذاشتن یک شاخه گل بر مزار عزیزانشان، درد و رنج خانواده ها را تشدید می کند. نقض حقوق خانواده شهدا در برخی موارد منجر به صدور احکام زندان و شلاق شده است. احضار و بازجویی اجباری آنها از سوی مقامات دادستانی یا نیروهای امنیتی، زیرنظر گرفتن غیرقانونی خانواده ها و حتی حصر خانگی نیز از جمله این اقدامات هستند.

## بازداشت خانگی خانواده ژینا مهسا امینی

در سالگرد قتل ژینا مهسا امینی خانواده او که از قبل اعلام کرده بودند مراسم سالگرد او را برگزار می کنند، در خانه شان بازداشت و تهدید شدند که نباید هیچ مراسمی برگزار کنند. در روز سالگرد، آقای امجد امینی، پدر ژینا، دستگیر شد و خانواده را تهدید کردند که اگر مراسم برگزار کنند اشکان برادر ژینا را نیز بازداشت می کنند. نهادهای امنیتی همچنین ورود به قبرستان آیچی، محل دفن ژینا، را ممنوع و با انداختن آب به زمین ها و مسیرهای فرعی رسیدن به آیچی، اجازه ندادند مردم یاد او را گرامی بدارند.

در ماه دسامبر پارلمان اروپا جایزه ساخاروف را به ژینا مهسا امینی اهدا کرد. اما رژیم آخوندی، از خروج خانواده او از کشور برای دریافت این جایزه ممانعت کرده و گذرنامه های پدر، مادر و برادر او را در فرودگاه مصادره نمودند. به جای آنها، وکیل خانواده در مراسم شرکت و جایزه را دریافت کرد اما در پی بازگشت به ایران، وی را دستگیر و جایزه را از او گرفتند و به خانواده تحویل ندادند.





### دستگیری های خودسرانه

پسرش محمدرضا شوقی، ۲۳ ساله، که در زندان به سر می برد، لباس ببرد. اما وقتی خانم مهدوی برای تحویل دادن لباس برای پسرش مراجعه می کند، نیروی انتظامی وی را دستگیر و حبس می کنند. وی در اواخر مهر با قرار وثیقه آزاد شد. خانم مهدوی به اتهام «اخلال در نظم و آسایش عمومی» به ۱۰ ماه زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شد.

مسدود شدند. مأموران امنیتی رژیم همچنین تمام یادگاری ها، مدالها و وسایل محمدمهدی کرمی را تخریب کرده، لباس های او را آتش زدند و چمن کاری اطراف سنگ مزار او را نیز تخریب کردند.

چهار تن از اعضای خانواده حدیث نجفی را در شهریور ۱۴۰۲ بازداشت کردند و از آنها تعهد گرفتند که هیچ گونه مراسمی برگزار نکنند و برای سالگرد حدیث در خانه بمانند. حدیث نجفی، ۲۰ ساله از شهدای شهر کرج در قیام بود.

نیروهای امنیتی روز پنجم مهرماه سولماز حسن زاده را در ایست بازرسی بوکان-سقز بازداشت کردند. سولماز حسن زاده، ۲۹ ساله، خواهر محمد حسن زاده، معترض ۲۸ ساله بوکانی است که در روز ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در جریان قیام به دست نیروهای سرکوبگر رژیم به شهادت رسید.

فرزانه برزه کار، مادر عرفان رضایی از شهدای قیام نیز روز ۱۲ شهریور دستگیر و به زندان قائمشهر برده شد. وی روز ۵ مهر با تودیع وثیقه سنگین آزاد شد.

در آبان ۱۴۰۲ اسرین محمدی، توسط نیروهای اطلاعات در کردستان، در حالی که درمغازه ای مشغول چاپ بنرهای مراسم یادبود برادرش بود، دستگیر شد. شهریار محمدی برادر اسرین در آبان ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی کشته شد.

روز اول مهر ۱۴۰۲، مقامات زندان گرگان طی تماس با خانم فرشته مهدوی از او خواستند برای

در تیرماه ۱۴۰۲، مادر آرتین رحمانی ۱۶ ساله از شهدای شهر ایذه استان خوزستان، را به جرم دادخواهی برای پسرش به دادسرا احضار کردند تا او را به سکوت وادار کنند. آنها همچنین دایی آرتین و تعدادی از بستگانش را به زندان بردند.

مهسا یزدانی، مادر محمد جواد زاهدی، از شهیدان قیام در شهر ساری، استان مازندران، در مرداد ۱۴۰۲ بازداشت شد. این مادر به جرم دادخواهی برای فرزندش به ۱۳ سال حبس محکوم گردید.

فرزانه برزه کار، مادر عرفان رضایی از شهدای قیام نیز روز ۱۲ شهریور دستگیر و به زندان قائمشهر برده شد. وی روز ۵ مهر با تودیع وثیقه سنگین آزاد شد.

آقای ماشالله کرمی، پدر محمدمهدی کرمی معترضی که در دیماه ۱۴۰۱ بیگناه به دار آویخته شد، در تاریخ ۳۱ مرداد ۱۴۰۲ دستگیر و همه وسایل الکترونیکی او را ضبط کردند. کارتهای بانکی این خانواده نیز



## ممنوع کردن سالگرد تولد شهیدان

برگزاری سالگرد تولد بر سر مزار شهدا به نشانه زنده نگه داشتن یاد و آرمان آزادی به یک سنت زیبا در بین خانواده های شهدا تبدیل شده است. رژیم در وحشت از خانواده ها، برای اینکه این مراسم به یک کانون اعتراض و شورش تبدیل نشود، رفتن خانواده ها بر سر مزار شهیدان در سالگرد تولدشان را ممنوع کرده است.

زهرا سعیدیان جو، خواهر میلاد سعیدیان جو از شهدای ایذه، روز تولد برادرش ۱۰ اسفند ۱۴۰۱ بر سر مزار او حاضر شد. نیروهای امنیتی موهای او را کشیدند و با باتون مورد ضرب و شتم قرار دادند و جلوی چشمان خواهر قبر برادرش را لگدمال کردند. او در مهر ماه ۱۴۰۲ از کار اخراج شد. چندین موتورسوار ناشناس او را تهدید به قتل کردند. وی مجددا در آبان دستگیر شد و روز ۱۹ آذرماه با تودیع وثیقه از زندان شیپان اهواز آزاد شد. خانواده مهسا موهگویی از جمله مادرش در تیرماه ۱۴۰۲ به دلیل برگزاری مراسم سالگرد تولد مهسا بر سر مزار او در آرامستان فولاد شهر، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. مهسا موهگویی ۱۸ ساله در شهریور ۱۴۰۱، بر اثر اصابت گلوله ساچمه‌ای جان خود را از دست داد.

نیروهای امنیتی در مرداد ماه ۱۴۰۲ آقای کوروش وزیری، همسر شیرین علیزاده از شهدای قیام از اصفهان، را جلوی چشم پسرش دستگیر و به زندان دستگرد اصفهان منتقل کردند. آنها به همراه چند تن از دوستانشان تولد شیرین علیزاده را بر سر مزارش برگزار می کردند. در شهریور ۱۴۰۲ نیز، نسرين علیزاده، خواهر شیرین را دستگیر کردند.



نیروهای امنیتی در رشت سنگ قبر و عکس بهنام لایق پور را شکستند.



قاب شیشه ای محافظ عکس و سنگ قبر ژینا- مهسا امینی توسط نیروهای امنیتی متلاشی شد

## تخریب مزار شهدای قیام ۴۰۱

یکی از اعمال شنیع و غیرانسانی رژیم ملایان که به صورت سیستماتیک انجام می شود تخریب مزار شهیدان قیام و تصاویر آنها است. مزار مهسا امینی و ۲۰ تن دیگر از شهدا در ۱۷ شهر ایران از جمله مستندات منتشر شده در گزارش عفو بین الملل می باشد.



مجید کاظمی توسط نیروهای امنیتی در روستایی دورافتاده به خاک سپرد. با این حال، آرامگاه او توسط نیروهای دولتی به آتش کشیده شد.



نوشته های روی سنگ قبر محسن شکاری معترض اعدام شده توسط نیروهای امنیتی با رنگ پوشانده شدند



آنها روی قبرها را با ریختن قیر، پاشیدن رنگ و یا آتش زدن آسیب زدند و سنگ قبرها را شکستند. همچنین عباراتی مثل شهید یا اینکه آنها در راه آزادی جان باختند به اجبار پاک شده است. از جمله مادر یلدا آقافضلی در ۲۲ آبان ۱۴۰۲ گفت تصویر دخترش بر بالای مزار او برای چندمین بار تخریب شده است.



آسیب رساندن به تصویر مزار یلدا آقافضلی توسط نیروهای امنیتی



علامت پیروزی روی سنگ قبر یلدا آقافضلی (چپ) توسط نیروهای امنیتی برداشته و پاک شد (راست)

## اعدام زنان در دوران رئیسی

### رکوردی دیگر در جنایت علیه بشریت

ایران تحت حاکمیت آخوندها سالهاست که رکورددار اعدام زنان و اعدام به نسبت جمعیت در میان همه کشورهای جهان است. مجازات اعدام وسیله حیات و بقای رژیم آخوندی است. رژیم ایران از مجازات اعدام به عنوان ابزاری برای سرکوب و ساکت کردن مردم ناراضی استفاده می کند.

برخلاف قوانین بین المللی که به جای حبس برای زنان به دلیل نقش مادری و سرپرستی، انواع دیگر مجازات را توصیه می کند، زنان در ایران نه تنها زندانی می شوند، بلکه اعدام نیز می شوند. اما از زمانی که ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس جمهور آخوندها روی کار آمد رکوردهای جدیدی از اعدام به ثبت رسید. طی سال ۲۰۲۳، رژیم ملایان حداقل ۸۶۴ نفر از جمله ۲۶ زن، ۲۰ زندانی سیاسی و ۵ کودک مجرم را اعدام کرد که هر کدام رکورد جدیدی برای اعدام در ایران و جهان محسوب می شوند.

### بالا رفتن میانگین اعدام زنان در دوره ابراهیم رئیسی

بر اساس اطلاعات گردآوری شده توسط کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت، در فاصله اوت ۲۰۱۳ تا اوت ۲۰۲۱، در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی ۱۱۸ زن در ایران اعدام شدند. این یعنی به طور متوسط هر سال ۱۵ زن در ایران اعدام می شدند.

اما در دوران ابراهیم رئیسی، از اوت ۲۰۲۱ تا اوت ۲۰۲۳، حداقل ۴۲ زن اعدام شده اند. یعنی به طور متوسط هر سال ۲۱ زن در دوران رئیسی اعدام شده اند که در مقایسه با رئیس جمهور قبلی رژیم، هر سال ۶ زن بیشتر اعدام می شوند.

اما در سال ۲۰۲۳ حداقل ۲۶ زن در ایران اعدام شده اند که حتی رکورد خود رئیسی را هم شکسته است و ۱۰ عدد بالاتر از میانگین رئیس جمهور قبلی رژیم است. کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، ملل متحد و ارگانهای ذیربط، گزارشگر ویژه در مورد خشونت علیه زنان و گزارشگر اعدامهای بدوی و فراقضایی و عموم مراجع مدافع حقوق بشر و حقوق زنان را به محکوم کردن قاطع و بلادرنگ این جنایت فجیع فرا می خواند و خواهان بازدید فوری هیات حقیقت یاب بین المللی از زندانهای زنان در ایران و دیدار با زنان زندانی می باشد.



در سال ۲۰۲۳ حداقل ۲۶ زن در ایران اعدام شده اند < به طور متوسط سالانه ۱۵ زن در ایران اعدام می شدند



## بربریت رو در روی شجاعت

### قساوت بی‌رحمانه و بی‌انتهای علیه زنان مبارز و مقاوم

متأسفانه، وحشیگری رژیم به حد وحشتناکی رسید. دختران نوجوان هواداران جنبش دمکراتیک مجاهدین که مدافع و مبلغ برابری زنان و یک حکومت دمکراتیک بودند، بی‌رحمانه اعدام شدند حتی بدون اینکه هویت آنها را بدانند. اعدام آنها ابزاری برای ایجاد رعب و وحشت بود. بازجوها مجوز داشتند برای گرفتن اعتراف و یا وادار کردن آنها به همکاری علیه مقاومت سراسری به زنان زندانی تجاوز کنند. در برخی موارد خانواده‌ها جعبه ای شیرینی به عنوان «مهریه» دریافت می‌کردند، هدیه‌ای وحشتناک پس از اعدام دخترانشان، به این باور که اگر دختران باکره اعدام شوند به بهشت می‌روند.

اما قساوت رژیم در همین جا توقف نخورد. زنان باردار شکنجه و اعدام شدند. حتی به زنان سالخورده و دختران خردسال ۱۰ یا ۱۳ ساله هم رحم نکردند. سالهای ۶۰ سالهای وحشت غیرقابل تصور بودند - از قفس و قبر تا واحدهای مسکونی و سایر شیوه‌های وحشتناک شکنجه. هزاران زن به خاطر مخالفت سیاسی با رژیم اعدام شدند و در قتل عام ۶۷، تعداد بی‌شماری از زنان آگاه و به طور خاص هواداران جنبش پیشتاز مجاهدین جان باختند، بدون هیچ بازمانده‌ای در بندهای زنان در زندانهای مختلف.

چندین دهه حاکمیت یک رژیم زن ستیز، زنان را به موضوع اصلی سرکوب حکومتی تبدیل کرده است. رژیم آخوندی، ناتوان از پاسخگویی به خواسته‌های مردمی که برای دستیابی به آزادی‌های دموکراتیک شاه سرکوبگر را سرنگون کرده بودند، بلافاصله به سرکوب زنان متوسل شد و آن را به سنگ بنای سیاست‌های ظالمانه خود تبدیل کرد. امری که با تحمیل حجاب اجباری به عنوان یک تکلیف مذهبی لباس مادی به تن کرد.

رژیم ملایان در قدم بعد آپارتاید جنسیتی را در قانون اساسی نهادینه کرد و قوانین کیفری و مدنی سختگیرانه‌ای را وضع کرد که زنان را به حاشیه رانده و تحت انقیاد قرار داد. خشونت علیه زنان و دختران در ایران صرفاً یک مسئله اجتماعی نیست. بلکه نهادینه شده و مورد حمایت دولت قرار دارد. ضابطان حکومتی که حجاب اجباری را تحمیل می‌کنند، مجاز به اعمال خشونت علیه زنان و دختران در ایران هستند. با این حال، شریانه‌ترین اقدامات رژیم متوجه آن دسته از زنان شجاعی است که به خود جرات می‌دهند سلطه آنها را به چالش بکشند. تاریخچه این جنایات به دهه ۱۳۶۰ برمی‌گردد، زمانی که زنان و دختران جوانی که خواستار حقوق دموکراتیک خود بودند، به وحشیانه‌ترین صورت بازداشت و زندانی می‌شدند.



**خشونت علیه زنان و دختران در ایران جلوه‌ای دیگر از سرکوب سازمان یافته**



اما این همه رنج و خون، زنان مقاومت ایران را به صف اول مقاومت ارتقاء داد. آنها بیش از ۴۰ سال است که رهبری جنبش را به دست دارند. همچنین از این رنج و فدا و مقاومت، نسل‌هایی از زنان و دختران مقاوم در ایران برخاسته‌اند که در ادامه مسیر آنها در قیام‌های پیاپی از ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ جایگاه بلامنازع رهبری اعتراضات را به دست گرفته‌اند. هم‌اکنون، کانون‌های شورشی متشکل از زنان جوان و دختران دلیر در ایران در کنار جوانان هم‌مرزشان با وجود سرکوب بی‌امان رژیم و مواجهه با بدترین اشکال شکنجه، شجاعانه اعتراضات ضدحکومتی را هدایت می‌کنند.

قیام سراسری که از شهریور تا اسفند ۱۴۰۱ ادامه داشت، وحشیگری رژیم زن‌ستیز ملایان را برملا کرد.

رژیم اگرچه در ظاهر تظاهرات را به رگبار نمی‌بست، اما اعمال شیعی علیه زنان معترض انجام می‌داد. زنان و دختران جوان با وحشیگری غیرقابل تصویری مواجه شدند، آنها را شناسایی و در خیابان‌ها تکی به دام انداخته و محاصره می‌کردند و با باتوم آن قدر می‌زدند تا بمیرند و یا مورد تعرض جمعی در ملاء عام قرار میدادند. و یا آنها را می‌ربودند و بعد از تجاوز در زیر شکنجه به قتل می‌رساندند.

رژیم همچنین دختران دانش‌آموز را هدف حملات شیمیایی قرار داد تا آنها را از اظهار مخالفت با رژیم بترساند.

این میزان خشونت سیستماتیک و حکومتی علیه زنان و دختران در ایران در تاریخ معاصر بی‌نظیر است. اما شجاعت و ایستادگی زنان و دختران شجاعی که با پرداخت بهای گزاف در مقابل وحشانه‌ها و قساوت رژیم قد علم می‌کنند نیز به همین میزان بی‌سابقه است. آنها پاسخ این همه خشونت و نابرابری و نقض سیستماتیک حقوق زنان در ایران را با «مقاومت» می‌دهند. آنها تنها راه رسیدن به خواسته‌هایشان را در سرنگونی ملایان زن‌ستیز می‌دانند و قسم خورده‌اند که دست در دست و صف در صف آن را به هر قیمت محقق کنند.

## تبدیل تعرض جنسی به یک سلاح

### ابزاری برای شکنجه زنان و جوانان به‌پاخواسته

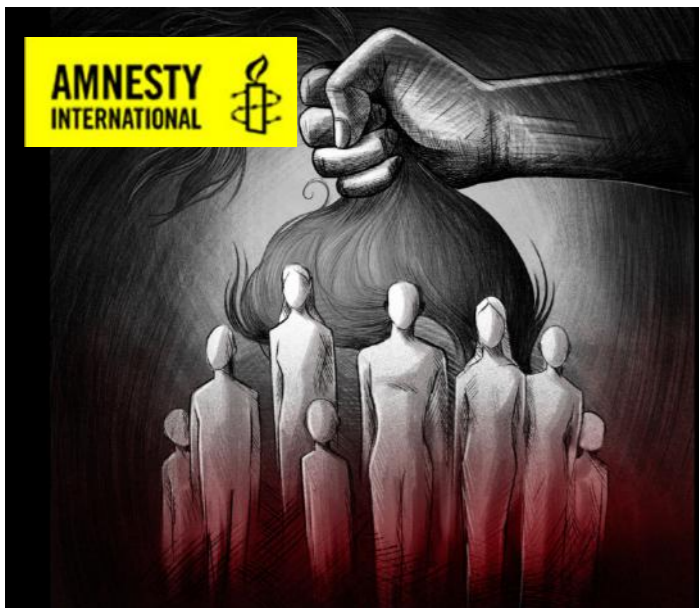
از دهه ۱۳۶۰، تجاوز و تعرض جنسی در زندان‌ها به طور سیستماتیک توسط رژیم آخوندی برای درهم شکستن زندانیان مقاوم، اعم از زن و مرد، استفاده شده است. در جریان قیام ۱۴۰۱ ایران نیز، سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی رژیم ایران از تعرض جنسی و تجاوز برای ارباب معترضان، شکستن روحیه مقاومت آنها و وادار کردن آنها به اعترافات دروغین بر خلاف میل خود استفاده کردند.

عفو بین‌الملل در ۱۵ آذر ۱۴۰۲ گزارشی را منتشر کرد که در آن استفاده گسترده نیروهای امنیتی از خشونت جنسی برای ارباب و اجبار معترضان و مخالفان را افشا نمود

گزارش عفو بین‌الملل با عنوان «آنها با خشونت به من تجاوز کردند»، چگونگی استفاده از خشونت جنسی «به عنوان یک سلاح برای سرکوب» قیام ۱۴۰۱ را مستند می‌کند.

### برداشتن نقاب از چهره عاملان و تاکتیک‌های وحشیانه آنها

این گزارش تجارب آزاردهنده ۴۵ بازمانده از تظاهرات سراسری را با جزئیات شرح می‌دهد، شامل روایت‌هایی از ۲۶ مرد، ۱۲ زن و ۷ کودک که قربانی تجاوز، تجاوز گروهی و اشکال مختلف



خشونت جنسی توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی قرار گرفتند.

از ۴۵ بازمانده ای که عفو بین‌الملل پرونده آنها را به تفصیل ثبت کرده است، ۱۶ نفر مورد تجاوز و ۲۹ نفر در معرض انواع دیگر خشونت جنسی قرار گرفتند. بازماندگان تجاوز شامل شش زن، هفت مرد، یک دختر ۱۴ ساله و دو پسر ۱۶ و ۱۷ ساله بودند.



شش نفر از ۱۶ تن بازماندگان تجاوز - چهار زن و دو مرد - مورد تجاوز گروهی تا ۱۰ مأمور حکومتی مرد قرار گرفتند.

عفو بین‌الملل دریافته است که نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در زمان دستگیری، در وسایل نقلیه در حین انتقال به بازداشتگاه و یا در داخل بازداشتگاه، مرتکب تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی علیه زندانیان می‌شدند.

زندانیان اغلب ساعت‌ها تحت شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها از جمله تجاوز یا سایر اشکال خشونت جنسی به منظور تحقیر و مجازات حداکثری قرار می‌گرفتند. پس از آسیب دیدن و از دست دادن تعادلشان، از آنها بازجویی می‌کردند و مجبورشان می‌کردند که «اعترافات» دروغین بکنند، از جمله اینکه با نهادهای خارجی ارتباط دارند و برای شرکت در تظاهرات از آنها پول دریافت می‌کنند. این گزارش به صراحت عاملان (این جنایات) را معرفی می‌کند از عوامل سپاه پاسداران، تا نیروی شبه نظامی بسیج، وزارت اطلاعات و شاخه‌های پلیس از جمله پلیس امنیت عمومی، یگان بازپرسی و یگان ویژه.

علاوه بر این، گزارش اشاره می‌کند که خشونت جنسی اغلب با تاکتیک‌های شکنجه مانند ضرب و شتم، شوک الکتریکی، محرومیت از غذا و آب و شرایط وحشیانه بازداشت همراه بوده است. بازماندگان به طور معمول از مراقبت‌های پزشکی محروم می‌شدند که این امر آسیب‌های جسمی و روانی آنها را تشدید می‌کرد.

اگنس کالامار، دبیرکل عفو بین‌الملل، این اقدامات را محکوم و خاطر نشان کرد: «شهادت‌های دلخراشی

که ما جمع‌آوری کردیم نشان می‌دهند که این الگویی از استفاده گسترده تر از خشونت جنسی به‌عنوان یک سلاح کلیدی در زرادخانه سرکوب اعتراض‌ها و نارضایتی‌ها توسط مقامات ایرانی است که می‌خواهند به هر قیمت قدرت خود را حفظ کنند.»

### مقابله با بحران حقوق بشر در ایران

این رفتار شنیع یعنی خشونت جنسی با تایید حکومتی که توسط سازمان عفو بین‌الملل مستند شده است، مستلزم اقدام سریع و هماهنگ برای حسابرسی از رژیم ایران در قبال این اقدامات انزجارآور می‌باشد. جامعه جهانی باید این جنایات را به صراحت محکوم کرده و اقدامات قاطعی برای تضمین عدالت برای بازماندگان و پایان دادن به فرهنگ معافیت از مجازات در حکومت ایران به عمل آورد.

## تحلیل حجاب اجباری

### گسترده‌ترین شکل خشونت علیه زنان و دختران در ایران

بقای رژیم ایران مستلزم سرکوب زنان است، امری که به وضوح در تحمیل سختگیرانه حجاب اجباری مشهود است. تحمیل حجاب اجباری رایج‌ترین شکل خشونت علیه زنان و دختران ایرانی است که هم مورد تأیید و حمایت حکومت است و هم در قوانین آن نهادینه شده است.

ولی فقیه رژیم آخوندی، علی خامنه‌ای، بی‌حجابی را «حرام سیاسی» توصیف کرد. وی مدعی است که دشمنان از این موضوع برای تضعیف بنیادهای کشور و هویت زدایی از آن سوءاستفاده می‌کنند. یک مقام نیروی انتظامی رژیم حجاب را «بالاترین مؤلفه قدرت ملی» خواند که هدف نیروهای خارجی قرار می‌گیرد. وی گفت «حجاب خط قرمز ماست» که نباید از آن عبور شود. (خبرگزاری حکومتی تسنیم، اول مرداد ۱۴۰۲)

این دیدگاه تأکید می‌کند که تحمیل حجاب اجباری فراتر از جنبه به اصطلاح «مذهبی» آن، اهمیت سیاسی دارد.

۴۵ سال است که رژیم ملایان حجاب اجباری را به ابزاری برای سرکوب کل جامعه ایران تبدیل کرده است. خط قرمزی که کمترین عدول از آن منجر به فرو ریختن پایه‌های حاکمیت و «امنیت ملی» رژیم می‌شود. اما زنان ایران با پرداخت بهای گزاف، نه تنها تسلیم این «اجبار» نشده و رژیم را در این زمینه مستأصل کرده اند، بلکه در پیوند با جنبش سراسری برای آزادی و دموکراسی و در صفوف مقدم



آن پیشتاز مبارزه برای سرنگونی این رژیم قرون وسطایی هستند.

در حالی که سایر اشکال خشونت اقرار خاصی از زنان و دختران، فعالان و مخالفان، دانش‌آموزان و غیره را در برمی‌گیرد، اعمال خشونت به منظور تحمیل حجاب اجباری، بر همه زنان از هر سنی، از هر قشر و طبقه و در هر شهر و روستا در سراسر کشور تأثیر می‌گذارد. کسانی که این قانون پوشش اجباری را زیر پا بگذارند، موضوع خشونت گشت‌های حجاب قرار می‌گیرند.

در سال ۲۰۲۳، همگام با مقاومت روزافزون زنان و دختران ایرانی در برابر تحمیل اجباری حجاب، عوامل رژیم وحشیگری خود را در ابعاد بی‌سابقه‌ای افزایش داده‌اند.

در شهریور ۱۴۰۱ ژینا (مهسا) امینی بر اثر برخورد وحشیانه گشت ارشاد که او را با خشونت دستگیر و به بازداشتگاه منتقل کردند، کشته شد. و امسال حجاب‌بان‌ها به یک دانش‌آموز ۱۷ ساله به نام آرمیتا گراوند در داخل قطار مترو حمله کردند که منجر به مرگ وی گردید.



## وقایع نگار اقدامات سرکوبگرانه علیه مخالفان حجاب

### مارس (اسفند-فروردین)

- رژیم ایران کارزار خود علیه مخالفان حجاب اجباری را با به کارگیری اقداماتی مثل توهین رسمی، شعارهای «مرگ بر بی حجاب» و تعطیل کردن تجارت‌هایی که در تعطیلات نوروزی به مخالفان حجاب خدمات ارائه داده بودند، شدت بخشید.

- تا پایان ماه، مجلس طرحی را نهایی کرد که شامل جریمه، ابطال گواهینامه رانندگی، گذرنامه و ممنوعیت استفاده از اینترنت برای متخلفان بود.

- نمایندگان خامنه‌ای در نماز جمعه، مأموران انتظامی را به متوقف کردن و سرکوب شدید متخلفان تشویق کردند از جمله با پلمب کردن بسیاری از شرکت‌ها، کسب و کارها و مراکز توریستی.

- یک پرستار به نام مریم بنی رضی به دلیل «کشف حجاب» به ۱۴۸ ضربه شلاق، ۸ ماه حبس تعزیری و انفصال از خدمت محکوم شد.

### آوریل (فروردین-اردیبهشت)

- بالاترین مقامات رژیم شعارهای خود را افزایش دادند، بر اهمیت شرعی و قانونی حجاب تأکید کردند و برداشتن آن را غیرقانونی قلمداد کردند.

- وزارت علوم اعلام کرد که دانشجویانی خاطی از دریافت خدمات محروم خواهند بود. وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت نیز محدودیت‌هایی را برای دانشجویانی که مقررات حجاب را رعایت نکنند اعلام کردند.



اقدامات نیروهای انتظامی شامل پلمپ و بستن محل‌های کسب و کار، دستگیری مدیران و صاحبان آن‌ها تشکیل پرونده‌های قضایی علیه کارمندان زن به دلیل نقض قوانین حجاب می‌شد.

- رئیس قضائیه رژیم، غلامحسین اژه‌ای، دستور داد مجلس طرح حجاب و عفاف را هرچه سریع‌تر تصویب کند و طی مراحل قانونی را سرعت بدهد.

- نیروی انتظامی با استفاده از فناوری تشخیص چهره که از چین خریداری کردند، از تشدید سرکوب علیه آزادی انتخاب زنان خبر داد. رژیم نظارت از طریق دوربین‌های مدار بسته شناسایی زنانی که موهای خود را نمی‌پوشانند تشدید کرد و کارت ملی آنها را مصادره کرد.

- به بانک‌ها، بیمارستان‌ها، ایستگاه‌های مترو، فرودگاه‌ها، سالن‌های سینما و خدمات عمومی دستور داده شد که به زنان بی حجاب خدمات ندهند.

- همه صاحبان مشاغل و کارفرمایان مکلف شدند خودشان حجاب را به کارمندان زن خود تحمیل کنند و گرنه کسب و کارشان تعطیلی خواهد شد.

- نیروی انتظامی مؤسسات بسیاری را بسته و پلمب کرد. همزمان دانشجویان خاطی از دانشگاه‌ها اخراج شدند و قوه قضائیه برای زنانی که حجاب اجباری را رعایت نکنند، مجازات‌های سنگین، حبس، شلاق، اخراج از کار و محرومیت از خدمات وضع کرد.

- در جریان نزاع جمعی با ماموران بسیج که به زنان گردشگر تذکر حجاب داده بودند، یک زن ۵۹ ساله که مادر ۱۰ فرزند بود در یکی از مناطق گردشگری کرمان جان خود را از دست داد.



- روز نهم اردیبهشت ۱۴۰۲، دانشجویان دانشگاه سوره تهران در بیرون محوطه دانشگاه با فردی مواجه شدند که با قمه به آنها حمله می‌کرد. حراست دانشگاه هیچ اقدامی برای حفاظت از دانشجویان انجام نداد.

### مه (اردیبهشت-خرداد)

- روز ۳ خرداد ۱۴۰۲ رسانه‌های حکومتی ایران گزارش دادند که قوه قضائیه لایحه «صیانت از عفاف و حجاب» را به دولت پیشنهاد داده است.

- وزارت کشور با صدور بخشنامه‌ای مورخ ۹ خرداد ۱۴۰۲ خطاب به برخی ارگان‌های حکومتی از جمله شهرداری تهران و شرکت مترو پایتخت گفت: «ورود افراد در وضعیت کشف حجاب به اماکن تحت اشراف دولت منوط به رعایت پوشش قانونی بوده است.»

- یک دانشجوی دختر در دانشگاه باهنر کرمان به دلیل رعایت نکردن حجاب اجباری هدف ضربات چاقو قرار گرفت.



### ژوئن (خرداد-تیر)

- بسیاری از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت به دلیل رعایت نکردن مقررات حجاب اجباری و پوشش نامناسب به کمیته انضباطی احضار شدند.
- روز ۱۸ خرداد ۱۴۰۲ دولت لایحه ای را با عنوان «حمایت از حجاب و عفاف» برای تصویب به قید دوفوریت تسلیم مجلس کرد. با این حال، مجلس ایراداتی در این لایحه دید، چرا که فقط به موضوع جریمه‌ها پرداخته بود. به این ترتیب مجلس این لایحه را برای بررسی به کمیسیون قضایی احاله داد.
- روز ۲۶ خرداد نیروی انتظامی اعلام کرد که از ۲۶ فروردین ۱۴۰۲، نیروی انتظامی تقریباً یک میلیون (۹۹۱۱۷۶) پیامک با مضمون تذکر برای زنانی فرستاده که بدون حجاب در خودروهایشان رویت شده اند. در همین مدت ۲ هزار خودرو نیز توقیف فیزیکی شدند، و بیش از ۴ هزار پرونده برای خاطیان به مراکز قضایی ارجاع داده شده است.
- قوه قضاییه رژیم ۲۲۵۱ پرونده علیه زنان بدحجاب تشکیل داده که ۸۲۵ مورد منجر به محکومیت در چهار ماهه نخست سال شد.
- زنان با عواقب شدیدی از جمله اخراج از کار، شستشوی اجساد و سرایداری به دلیل سرپیچی از حجاب اجباری مواجه شدند.



### طبق قوانین رژیم ایران افراد بی حجاب احراز هویت و به مرجع قضایی معرفی می شوند.

### ژوئیه (تیر-مرداد)

- نیروی انتظامی روز ۲۵ تیر ۱۴۰۲ اعلام کرد که گشت های ارشاد برای شکار زنانی که بدون حجاب در انظار عمومی ظاهر می شوند، باز خواهند گشت. اما، آنها نام خود را به پلیس هنجارهای اجتماعی تغییر دادند، پلیسی که با ون های بزرگ سفید در سراسر شهر مستقر بود تا زنانی را که از قوانین حجاب سرپیچی می کردند، دستگیر کنند.
- در پاسخ به بازگشت این گشت ها، ایرانیان دست به مقاومت زدند که در نتیجه در رشت و

اصفهان درگیری هایی رخ داد.

- در نتیجه مأمورین نیروی انتظامی از حمله به زنان خودداری کردند، اما به رصد کردن آنها ادامه دادند. این امر منجر به درگیری ها و دستگیری های بیشتری توسط گشت های امر به معروف و ماموران لباس شخصی با مردم شد.
- وزارتخانه های مختلف با صدور بخشنامه هایی به بیمارستان ها، اماکن گردشگری، موزه ها و سایر امکانات دستور دادند تا از پذیرش زنان بدحجاب جلوگیری کنند.



- اقدامات نیروهای انتظامی شامل پلمب و بستن محل های کسب و کار، دستگیری مدیران و صاحبان آنها و تشکیل پرونده های قضایی علیه کارمندان زن به دلیل نقض قوانین حجاب می شد.
- کمیسیون قضایی مجلس آخوندها «لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» را با ۷۰ ماده در ۵ مردادماه به تصویب رساند.

### اوت (مرداد-شهریور)

- روز ۱۵ مرداد، مجلس وصول لایحه تحت عنوان «لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» را اعلام کرد.
- مجلس رژیم از ترس واکنش های عمومی، از بررسی این لایحه در جلسه علنی خودداری کرد و به ماده ۸۵ قانون اساسی استناد کرد که اجازه تشکیل کمیته ای را برای تصویب قوانین برای اجرای «تجربی» می دهد.
- شهرداری تهران ۲۸۵۰ نفر به نام حجاب بان استخدام کرد. وظیفه آنها با حقوق ۱۲ میلیون تومان در ماه اخطار دادن به مسافران و جلوگیری از سوار شدن افراد بدون حجاب به قطار مترو است. آنها زنان بدحجاب و یا بی حجاب را به پلیس تحویل می دهند.
- در دانشگاه بوعلی همدان، ۲۰۰ دانشجو، عمدتاً دختر، به طور ناگهانی از امکانات خوابگاهی خود محروم شدند.



## سپتامبر (شهریور-مهر)

- همزمان با سالگرد قیام ۱۴۰۱ و در آستانه آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ مجلس لایحه عفاف و حجاب را برای یک دوره آزمایشی سه ساله در ۲۹ شهریور به تصویب رساند. این مصوبه تا قبل از تأیید شورای نگهبان رژیم قانون تلقی نخواهد شد. در عمل اما بسیاری از نهادها مواد آن را به اجرا گذاشتند.
- قانون جدید حجاب که شامل پنج فصل است، تحت عنوان حمایت از بنیان خانواده، محدودیت های متعددی برای زنان در انتخاب پوشش اعمال می کند.
- فصل اول این محدودیت ها را اینطور توجیه می کند که هر رفتاری که به ترویج فرهنگی، بی عفتی، بی حجابی، بدپوششی و اعمال خلاف عفت عمومی که منجر به برهم زدن آرامش زن و مرد در

- خانواده، رواج ازدواج دیرهنگام، گسترش طلاق و آسیب های اجتماعی و زدودن ارزش خانواده می شود، نقض قانون اساسی است و مطابق قانون ممنوع می باشد.
- فصل دوم، تمام ارگان های دولتی را ملزم به برگزاری دوره های آموزشی برای کارکنان خود و آموزش «سبک زندگی اسلامی» و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب می نماید.
- فصل سوم بیش از ۳۰ نهاد حکومتی را مکلف به انجام وظایف مختلف برای اجرای قانون پوشش اجباری در مدارس، ادارات، دانشگاه ها و بیمارستان ها می کند. قابل ذکر است که سازمان های اطلاعاتی در تحمیل حجاب اجباری دخالت دارند.
- فصل چهارم استخدام و ترفیع را به پایبندی به عفاف و حجاب مرتبط می کند، در حالی که فصل پنجم به تشریح مجازات ها و جریمه های سنگین برای متخلفان می پردازد که به فضای مجازی

- و رسانه های اجتماعی نیز تسری پیدا می کند و کسب و کارها را ملزم به نظارت بر پایبندی کارکنان شان به حجاب می کند.
- وزارت علوم و آموزش عالی شروع به اعمال قوانین سختگیرانه پوشش برای دانشجویان دختر و پسر، جذب نیرو برای گشت امر به معروف در پردیس دانشگاه ها، محروم کردن دانشجویان از تحصیل یا اخراج آنها از دانشگاه به دلیل رعایت نکردن مقررات حجاب اجباری و نصب فناوری تشخیص چهره در کافه تریاها و سلف دانشگاه ها کرد تا دانشجویان خاطی را شناسایی کند.
- کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل پیش نویس قانون حجاب را محکوم کردند و اعلام کردند که این پیش نویس می تواند معادل «آپارتاید جنسیتی» باشد. عفو بین الملل همچنین از ایران خواست حجاب اجباری را لغو کند، افرادی که به دلیل سرپیچی از آن بازداشت شده اند را آزاد کند و

از طرح های مجازات زنان به دلیل استفاده از حقوق خود دست بردارد.

## اکتبر (مهر-آبان)

- آرمیتا گراوند، ۱۷ ساله، در روز ۹ مهر در یکی از ایستگاه های متروی تهران مورد حمله مأموران حجاب بان قرار گرفت. شدت حمله به حدی بود که سر او ضربه خورد و به کما فرو رفت.
- از همان ابتدا، سرویس های اطلاعاتی کنترل پرونده را به دست گرفتند و دسترسی خانواده، دوستان و رسانه ها به قربانی را به شدت محدود کردند.
- رسانه های تحت کنترل حکومت در تلاش برای سنجش واکنش عمومی به مرگ آرمیتا، روایت های متناقضی ارائه کردند. سرانجام ساعت ۹:۵۷ صبح روز شنبه ۶ آبان ۱۴۰۲، ایرنا خبرگزاری رسمی رژیم آخوندی اعلام کرد: «آرمیتا گراوند دانش آموز تهرانی درگذشت.»
- مقامات از تحویل جسد آرمیتا به خانواده اش خودداری کردند و به خانواده اجازه ندادند جسد او را به زادگاهشان در کرمانشاه ببرند. آرمیتا گراوند در ۷ آبان ۱۴۰۲ تحت تدابیر شدید امنیتی در گورستان بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شد.
- در ۲۳ مهرماه در تبریز، مأموران امنیتی به یک زن بی حجاب در حین خرید حمله کردند. آنها رویا ذاکری، ۳۱ ساله، با مدرک فوق لیسانس در رشته علوم کامپیوتر، را زمین زدند به نحوی که مچ پایش آسیب دید. در حالی که او شعارهای ضدحکومتی می داد و گریه می کرد، آنقدر او را کتک زدند که بیهوش شد. مأموران امنیتی سپس او را به یک بیمارستان روانی بردند.

مأموران لباس شخصی به طور غیرقانونی از مردم در ایستگاه مترو فیلمبرداری می کنند.



شهرداری تهران ۲۸۵۰ نفر موسوم به گشت حجاب را استخدام کرده است.





● دست کم ۲۰ زن جوان دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی تهران نامه‌های مشابهی دریافت کردند که به آنها هشدار داده بود که در صورت عدم رعایت مقررات جدید پوشش، از دانشگاه اخراج خواهند شد.

### نوامبر (آبان-آذر)

- کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد روز ۱۲ آبان ۱۴۰۲ نسبت به مقررات قانونی تبعیض آمیز، به ویژه لایحه «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» ابراز نگرانی کرد. این کمیسیون از رژیم ایران خواست تا قوانینی را که عدم رعایت حجاب اجباری را جرم می‌دانند، اصلاح یا لغو کند و گشت ارشاد را که پوشش زنان را در ملاء عام رصد می‌کند، منحل نماید.
- در ۲۹ آبان ۱۴۰۲، مأموران امنیتی نقابدار به کتابخانه، کلاسهای روانشناسی و همچنین کلاسهای دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ملی یورش بردند. اقدام آنها شامل مصادره کارت شناسایی دانشجویی از دانشجویان دختری بود که قانون حجاب اجباری را رعایت نکرده بودند.
- به گفته دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر، طی یک بازه زمانی یک ماه از آبان تا آذر بیش از ۲۸۵ هزار مورد «تذکر لسانی» فقط در خیابان ولی عصر تهران صورت گرفت که در ۴۰ مورد منجر به تنش شد و در ۴ مورد پرونده قضایی تشکیل شده است.

### دسامبر (آذر-دی)

- مأموران حجاب بان و لباس شخصی وسایل شخصی مسافران را در ایستگاه متروی تئاتر شهر تهران تفتیش می‌کردند. عوامل لباس شخصی حاضر در این ایستگاه اقداماتی از جمله «تصویب برداری غیرمجاز با دوربین های جیبی و پایه دار از مردم به بهانه تذکر حجاب، چک کردن گوشی های همراه آنان بدون مجوز کتبی و عکس برداری از کدهای موسوم به رجیستری تلفن، تجسس کوله پشتی و کیف های دوشی مردم» انجام می‌دهند.
- دادگاه انقلاب تهران زنی را به دلیل عدم رعایت حجاب در پارک به یک سال حبس تعزیری محکوم کرد.

### ژانویه (دی-بهمن)

- رویا حشمتی، ۳۳ ساله، به خاطر برداشتن حجاب در ملاء عام ۷۴ ضربه شلاق خورد و جریمه شد.

## پیشگیری از آسیب دیدگی زنان

### لایحه ای که خشونت را به رسمیت نمی شناسد

لایحه ای که در ابتدا با نیت «منع خشونت علیه زنان» پیشنهاد شده بود بعد از ۱۲ سال دست به دست شدن بین دولت و قوه قضائیه و مجلس رژیم در ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ به تصویب مجلس رسید. ولی آنچه به تصویب رسید عنوان «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقاء امنیت آنان در برابر سوء رفتار» را یدک می‌کشد و کلمه خشونت حتی یک بار هم در آن نیامده است چه رسد به جلوگیری از آن!

در واقع، رژیم بعد از ۱۲ سال، لایحه ای را ارائه داده است که اساساً وجود خشونت علیه زنان را حتی در تیتراژ لایحه به رسمیت نمی‌شناسد و در متن این کلمه اساساً حذف و کلمه «سوء رفتار» جایگزین آن شده است. به این ترتیب که لایحه ای که با عنوان «حفظ

کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» توسط دولت تدوین شده بود با طرح دیگری به نام «صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» که توسط مجلس رژیم تنظیم شده بود، ادغام شد و متنی متشکل از عبارت پردازی‌های غیراجرایی و دهان پرکن از کارخانه آخوندی خارج شد.

### چرا لایحه در نهایت به تصویب رسید؟

رژیم ملایان پس از قتل ژینا (مهسا) امینی به بهانه «حجاب» و افشا شدن جهانی چهره جنایتکارش در جریان سرکوب خونین قیام ۱۴۰۱، از کمیسیون مقام زن سازمان ملل اخراج شد. علاوه بر قتل و وحشی‌گری‌های مستقیم حکومتی، آمارهای رسمی رژیم نیز از افزایش هولناک خشونت علیه زنان در ایران سخن می‌گویند، ۷۷/۲ درصد زنان حداقل یکی از انواع خشونت را در دوران قرنطینه تجربه کرده‌اند. (روزنامه حکومتی شرق - ۴ اردیبهشت ۱۴۰۲)

همین آمار غیرشفاف ارائه شده توسط رژیم که در واقع سه چهارم زنان ایرانی را در برمی‌گیرد، بیش از دو برابر میانگین جهانی خشونت علیه زنان (یک سوم) است.

با چنین کارنامه ای، تصویب لایحه ای که اساساً با ساختار و طینت این رژیم زن ستیز همخوانی ندارد، چیزی جز یک ژست توخالی برای فریب افکار عمومی و جامعه بین‌المللی نیست.





نایب رئیس کمیسیون قضایی مجلس رژیم، حسن نوروزی درباره همین لایحه نیم‌بند می‌گوید: «در این لایحه آمده است اگر مردی برای دو بار به همسر خود جراحی وارد کند، زن می‌تواند درخواست طلاق کند. این مخالف ماده ۳۸ قانون مدنی است. در کجای اسلام فقهای اهل سنت و تشیع و حتی یهودی و مسیحی گفته‌اند که با یک خشونت اندک زن می‌تواند درخواست طلاق کند؟!»

### احتراز از بکارگیری کلمه «خشونت»

در متن لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقاء امنیت آنان در برابر سوء رفتار» حتی یک بار هم از کلمه خشونت استفاده نشده است. این لایحه قرار نیست به مسئله خشونت مبتنی بر جنسیت در ایران پایان دهد. به همین دلیل، به جای کلمه خشونت از کلمه «سوء رفتار» استفاده شده ولی حتی تعریف «سوء رفتار» هم در این لایحه مشخص نیست! ضمن اینکه خشونت روحی و کلامی و ضرب و شتم‌های رایج، اصلاً مورد توجه این لایحه قرار ندارد.

فاتیما باباخانی، یک حقوق‌دان و فعال حوزه زنان در ایران، در رابطه با گسترش خشونت علیه زنان می‌گوید: «نهادینه شدن خشونت علیه زنان، بی‌توجهی به جرم‌انگاری رفتارهای ضداجتماعی، عدم کفایت قضائی و عدم تحقق دادرسی عادلانه در نهایت منجر به بی‌کیفرمانی افراد خشونت‌گر می‌شود.» (روزنامه حکومتی شرق - ۲۱ مهر ۱۴۰۰)

### تحکیم خانواده به بهای جان زنان

لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقاء امنیت آنان در برابر سوء رفتار» از منظر قانونی تأثیری بر وضعیت زنان و امنیت آنان ندارد چرا که هدف آن اساساً حفظ خانواده و حقوق مردانه است. فاطمه قاسم پور، رئیس فراکسیون زنان و خانواده مجلس رژیم، در همین رابطه می‌گوید: «با این روش هم تحکیم بنیان خانواده و هم حل مشکل زن را دنبال می‌کنیم.»

بر اساس ماده ۴۳ لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان»، برخی جرایم تعیین شده در لایحه تحت شرایطی قابل گذشت است، از جمله این که مرتکب از بستگان زن تا درجه دوم باشد. در ماده ۴۴ نیز تاکید شده چنانچه متهم از اعضای خانواده زن باشد، «در صورت رضایت زن، ابتدا پرونده با رعایت قوانین و مقررات مربوط برای صلح و سازش به شورای حل اختلاف محل ارسال می‌شود.» (خبرگزاری حکومتی ایسنا - ۲۶ بهمن ۱۴۰۱)

در یک کلام اگر زنی از سوی همسر، پدر یا برادر تا بستگان درجه دوم مورد خشونت قرار بگیرد، قانون نه تنها از زن حمایت نمی‌کند بلکه او را دوباره «برای صلح و سازش» به محل ارتکاب جرم برخواهد گرداند.

جای یادآوری دارد که رومینا اشرفی، دختر ۱۵ ساله‌ای که در اول خرداد سال ۹۹، پدرش سرش را با داس از تن جدا کرد، در دادگاه به قاضی التماس کرده بود که اگر به خانه برگردد پدرش او را خواهد کشت. اما قاضی هیچ اهمیتی نداد و او را به زور به قتلگاه فرستاد. این داستانی است که بسیاری

از زنان و دختران ایران آن را تجربه می‌کنند. در تبصره دو ماده ۱۳ لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان» آمده است هر گاه خطر شدید و قریب الوقوع رخ دهد مددکاران بهزیستی می‌توانند اقدامات لازم را انجام دهند. اما در این لایحه مشخص نشده است که منظور از خطر شدید و قریب الوقوع چیست و اقدامات لازم تحت چه شرایطی ارائه خواهد شد؟

باید توجه کرد که در کل ایران تنها ۳۴ خانه امن برای زنان وجود دارد و بسیاری از زنان از وجود چنین مکان‌هایی بی‌اطلاع هستند.

### عدم اجرای عدالت در رابطه با قتل‌های ناموسی

یکی از فجایعی که تهیه قانون حمایت از امنیت زنان را ضروری کرد رواج قتل‌های ناموسی در ایران بوده است. در این موارد، معمولاً قاتل متناسب با جرم ارتكابی خود مجازات نمی‌شود و عدالتی اجرا نمی‌گردد. به طور خاص اگر قاتل پدر باشد، طبق قانون جزای رژیم، ولی دم بوده و در واقع صاحب عمر و جان دختر به شمار می‌رود.

در حالی که طبق قانون رژیم مجازات قتل، اعدام می‌باشد، در ماده ۲۹ فصل چهارم لایحه جدید آمده است که هر کس مرتکب قتل عمد زنی شود، چنانچه قصاص نشود و قتل دارای طرح و نقشه باشد، به حبس درجه سه، و در غیر این صورت، به حبس درجه چهار محکوم می‌شود. مدت حبس درجه سه، ۱۰ تا ۱۵ سال است و حبس درجه چهار، ۵ تا ۱۰ سال است.





## روند دست به دست شدن لایحه منع خشونت علیه زنان در رژیم ملایان



ماده ۱۰۴ قانون مدنی راه ازدواج دختر زیر ۱۳ سال را با اجازه دادگاه و اذن ولی و رعایت مصلحت باز گذاشته است. نتیجه اینکه وقتی قانون مدنی کشور به خشونت علیه دختر بچه‌ها و زنان رسمیت می‌دهد، وجود چنین جملاتی درباره حبس و جزای نقدی، هیچ شکافندگی قانونی ندارد.

### یک بلوف سیاسی و دیگر هیچ

در واقع رژیم زن ستیز ملایان هیچ قصدی برای جلوگیری از خشونت علیه زنان ندارد. بالا رفتن آمار زن کشی و قتل‌های ناموسی در ایران خود گواهی بر بی‌تأثیر بودن این لایحه و وخیم‌تر شدن وضعیت خشونت علیه زنان در ایران است. لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقاء امنیت آنان در برابر سوء رفتار» وجود زنان را وجودی مستقل از نهاد خانواده نمی‌بیند. در واقع از نظر آخوندهای زن ستیز منظور از امنیت زنان امنیت خانواده است. اما رژیم از این موضوع غافل است که زنان شجاع ایران از نظام زن ستیز حقوقی و قضایی آن عبور کرده‌اند. زنان ایران عزم جزم کرده‌اند که حقوق خود را با سرنگونی این رژیم به دست بیاورند و به همین دلیل در هر قیامی میدان دار صحنه‌های شورش و اعتراض هستند.

از نمونه‌های سال‌های اخیر می‌توان به پدر رومینا اشرفی یا شوهر مونا حیدری اشاره کرد که هر کدام تنها چند سال حبس گرفتند و می‌توانند به راحتی این احکام را خریده و از زندان بیرون بیایند. مونا حیدری، ۱۷ ساله و مادر یک کودک، به دست همسرش به قتل رسید. همسرش با سر بریده او در یک دست و چاقویی که با آن او را سر بریده بود در دست دیگر در خیابان‌های اهواز رژه می‌رفت.

### مجازات‌ی نرم برای جرائم شنیع

ازدواج اجباری یکی از بارزترین مصادیق خشونت علیه دختر بچه‌ها است، اما این لایحه تعریف صحیحی از ازدواج اجباری ارائه نداده است. در ماده ۳۴ این لایحه آمده است که اگر ولی دختر او را وادار به ازدواج کند، با حبس و جزای نقدی رو به رو می‌شود. این لایحه ولی توضیح نمی‌دهد که سرنوشت چنین ازدواجی چه می‌شود، و آیا نکاح فسخ شده و غیرقانونی اعلام می‌شود؟ همچنین آیا یک دختر ۱۳-۱۴ ساله که وادار به ازدواج شده، می‌تواند علیه ولی خود به دادگاه شکایت کند؟ بگذریم که بیشتر ازدواج‌های اجباری و کودک همسری بدون ثبت قانونی اتفاق می‌افتند. همچنین این سوال مطرح است که چگونه یک دختر کم سن و سال در یک سیستم پدرسالار می‌تواند با نظر پدر و برادر و سایر مردان خانواده خود، برای ازدواجی که آنها برایش تعیین کرده‌اند مخالفت کند؟ به خصوص که کودک همسری رسماً مورد حمایت قوانین آخوندهاست.

## رنج خاموش

### هزینه دردناک ازدواج کودکان در ایران

کودک همسری خشونت علیه کودکان است اما قوانین رژیم ملایان آن را مجاز می دانند و این امر در قانون اساسی نهادینه شده است. بنابراین، در ایران رواج پیدا کرده است نه به دلیل ریشه های فرهنگی، بلکه اساساً به دلیل گسترش فقر.

طبق قوانین رژیم آخوندی دختران ۹ ساله صرف نظر از بلوغ فکری و اجتماعی و حتی وقوع بلوغ فیزیکی بالغ محسوب می شوند. در قوانین ایران سن مجاز ازدواج برای دختران ۱۳ سال تعیین شده است. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج دختر در زیر سن ۱۳ سال تمام شمسی را با اجازه دادگاه و اذن ولی و «رعایت مصلحت» مجاز دانسته است.

قانون مدنی به پدر و پدر بزرگ پدری اجازه می دهد که با تأیید یک قاضی دختر بچه را در هر سنی مجبور به ازدواج کنند در حالی که مادرا حق هیچگونه دخالتی در سرنوشت فرزندش را ندارد.

### آمار تکانهنده

بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، از زمستان ۱۴۰۰ تا پایان پاییز ۱۴۰۱، دست کم ۲۷ هزار و ۴۴۸ مورد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در نقاط مختلف ایران ثبت شده است.

در دهه اخیر بیش از ۱۵ هزار دختر زیر ۱۵ سال در ایران فرزند به دنیا آورده اند. به علاوه از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۹ در مجموع بیشتر از یک میلیون دختر زیر ۱۸ سال

در ایران ازدواج کرده اند. (ایسنا - ۲۴ فروردین ۱۴۰۱) غالب زنان کودک همسر در همان سنین پایین مادر می شوند و طبق آخرین اعلام سازمان ثبت احوال در اردیبهشت ۱۴۰۱، در سال ۱۴۰۰ دست کم ۶۹ هزار و ۱۰۳ نوزاد از مادران گروه سنی ۱۰ تا ۱۹ ساله متولد شدند، و ۱۴۷۴ نوزاد از مادرانی در بازه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال متولد شده اند. (روزنامه حکومتی اعتماد - ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲)

به نوشته روزنامه آرمان ملی مورخ ۵ مرداد ۱۴۰۰، در هر ۲۴ ساعت ۱۰۰ ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در ایران به ثبت می رسد.

وجود کودک بیوه ها یکی دیگر از این مصائب است. در خرداد ۱۳۹۷ معصومه آقاپورعلی شاهی، نماینده وقت مجلس از وجود ۲۴ هزار کودک بیوه زیر ۱۸ سال خبر داد. (سایت حکومتی جوان - ۱۱ بهمن ۱۳۹۷)

### عواقب جدی

تجربه ارتباط جنسی با مردی که عمدتاً از او بسیار بزرگتر است، خشونت جنسی علیه کودک همسر محسوب می شود، همچنین تحمل جبر، قرار گرفتن تحت خشونت کلامی، محروم شدن اجباری از تحصیل، اجبار برای مشارکت در زندگی مشترک. این کودکان به تدریج از بسیاری از حقوق خود محروم می شوند. (سایت حکومتی سلامت نیوز - ۱۶ اسفند ۱۴۰۰)

کودک همسران بیشتر در معرض ابتلاء به بیماریهایی مثل هپاتیت و ویروس ایدز هستند. عوارضی مانند فشار خون بارداری، عفونت خون در

## ازدواج کودکان، خشونت آشکار علیه کودکان دختر

در هر ۲۴ ساعت

۱۰۰۰ ازدواج دختر زیر ۱۵ سال ثبت می شود

۲۷۴۴۸ مورد، ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در سال ۲۰۲۲

۱۵۰۰۰ دختر زیر ۱۵ سال در یک دهه زایمان کردند

۶۹۱۰۳ مورد، نوزادان متولد شده

از مادران ۱۰ تا ۱۹ ساله در سال ۲۰۲۱



بسیاری از این دختر بچه ها به دلیل عدم تحمل شرایط نابرابر و ناتوانی در قدرت حل مشکلات، به فرار از خانه، خودکشی و یا کشتن همسر روی می آورند که خود تحت نظام زن ستیز آخوندی، عواقب وحشتناک تری را برای آنان به دنبال دارد.

### فراخوان به حسابرسی

همانطور که از فاکت ها و مستندات فوق روشن شد، غالب موضوعات مربوط به ازدواج دختر بچه ها در ایران به طور خاص ازدواج های زودهنگام و اجباری، ریشه در قوانینی دارند که این رفتار را تأیید می کنند. ضروری است که رژیم ایران در قبال این موارد جدی نقض حقوق دختر بچه ها مورد حسابرسی قرار بگیرد.

بارداری و خونریزی در زنان جوان کمتر از ۱۵ سال، بیشتر از زنانی است که در بیست سالگی ازدواج کرده اند و این عوارض بیشتر آنها را در خطر مرگ قرار می دهد. به خصوص که آن ها پیش از زنانی که در سن مناسب ازدواج کرده اند و یا کودکانی که در خانواده زندگی می کنند، در معرض خشونت خانگی، کودک آزاری، سوءاستفاده و روابط جنسی اجباری هستند. (بهار نیوز - ۱۰ بهمن ۱۳۹۸)

علاوه بر آثار فیزیکی باید به پیامدهای روانی ازدواج دختر بچه ها نیز اشاره کرد. با چنین ازدواجی، دختر بچه از دوران کودکی خود فاصله گرفته و ارتباطش با خانواده و دوستانش قطع می شود و به جای آن مسئولیت زندگی بر دوش او افتاده و محدود به امور خانه و بچه داری خواهد شد. این امر منجر به پیدایش افسردگی و اضطراب در وی می شود.



## فجیع ترین شکل خشونت علیه زنان

### نوک کوه یخ

### اپیدمی زن کشی و قتل‌های ناموسی در ایران

گسترده ترین نقض حقوق بشر در ایران نقض سیستماتیک حقوق زنان و دختران است که در روند وخیم تر شدن، خود را در یکی از فجیع ترین اشکال خشونت علیه زنان یعنی قتل‌های ناموسی و زن کشی نشان می‌دهد. روزی نیست که رسانه‌ها خبر یک یا چند زن کشی را منتشر نکنند.

اما رژیم ملایان هیچ گاه آمار شفافی از خشونت علیه زنان به ویژه در مورد خشونت‌های خانگی، قتل‌های ناموسی و زن کشی منتشر نمی‌کند و پزشکی قانونی و سازمان بهزیستی و ارگان‌های ذیربط مجاز به انتشار آمار ثبت شده خود نیستند. در بسیاری از موارد هم این قتل‌ها در خانواده حل و فصل می‌شود و گزارش نمی‌شود. بنابراین، گزارش‌ها و آماری که توسط رسانه‌ها و یا حتی منابع رسمی منتشر می‌شوند را باید نوک کوه یخ خشونت علیه زنان و نقض سیستماتیک حقوق زنان در ایران محسوب نمود.

یک رسانه حکومتی با استناد به همین آمار رسمی اعلام شده، گزارش داد که از خرداد ۱۴۰۰ تا پایان خرداد ۱۴۰۲ دست کم ۱۶۵ زن در ایران به دست یکی از مردان خانواده خود کشته شده اند که ۴۱ مورد آن در حوالی تهران بوده است! (روزنامه حکومتی شرق - ۴ تیر ۱۴۰۲)

رسانه دیگری نوشت، شیب آماری زن کشی در ایران که طی دو سال، هر چهار روز یک قتل بوده، طی دو هفته در یک ماه از سال ۱۴۰۲ به یک روز در میان رسیده است. (روزنامه حکومتی اعتماد - ۱۵ مهر ۱۴۰۲)

یک منبع دیگر گزارش داد در شش ماهه اول سال ۱۴۰۲ حداقل ۵۲ زن کشی در ایران ثبت شده که ۲۹ درصد آن در تهران بوده است. (سایت هه نگاه - ۳ مهر ۱۴۰۲)

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، آمار حداقل ۱۰۵ مورد قتل ناموسی و زن کشی را طی سال ۲۰۲۳ گردآوری کرده است که شامل ۷۱ قربان زن کشی و ۳۴ مورد قتل‌های ناموسی می‌شود.

### وقوع ۱۰ درصد از قتل‌های ناموسی جهان در ایران

در ایران زنان قربانی اصلی قتل‌های خانوادگی هستند. در میان جنایات خانوادگی نیز قتل‌های ناموسی در ایران، اعم از قتل خواهر، زن، فرزند و یا مادر جایگاه ویژه‌ای دارد.

بر اساس قوانین زن‌ستیزانه در نظام ملایان، قتل زنان توسط اقوام مرد مجاز است و قتل‌های ناموسی و زن کشی در ایران تحت حاکمیت ملایان بیشتر از هر زمان دیگر رواج یافته است.

ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی حکومت آخوندی، ریاست خانواده را از «خصایص انحصاری» مرد می‌داند. ماده ۱۱۰۸ تأکید می‌کند که اگر زن از ادای

در سال ۲۰۲۳ دست کم ۱۰۵ زن به دست یکی از مردان خانواده خود کشته شده اند

# ۱۰۵

شیب آماری زن کشی در ایران که طی دو سال، هر چهار روز یک قتل بوده، طی دو هفته در یک ماه از سال ۱۴۰۲ به یک روز در میان رسیده است

وظایف در برابر شوهر خودداری کند، نفقه به او تعلق نمی‌گیرد. ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی مقرر می‌کند که زن باید در خانه‌ای ساکن شود که شوهر تعیین می‌کند. طبق همین قانون، زن برای درخواست طلاق، در حالی که شهادتش نصف یک مرد اعتبار قانونی دارد، باید بتواند اثبات کند که زندگی با آن مرد برایش خطر جانی دارد. در بسیاری موارد، زنی که کتک یا چاقو خورده، حتی پس از شکایت به مراجع قانونی مجبور می‌شود به زندگی مشترک با همان عامل خشونت باز گردد.

به نوشته یکی از روزنامه‌های حکومتی، «در کل کشور خشونت‌های خانوادگی در صدر مراجعات اورژانس اجتماعی است. حدود ۲۰ درصد از کل قتل‌های صورت گرفته در ایران قتل‌های ناموسی است و ۴۰ درصد از قتل‌های صورت گرفته نیز قتل‌های خانوادگی است. آمارهای موجود نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰ میزان وقوع قتل‌های ناموسی در استان‌های غربی کشور رشد قابل توجهی داشت. در سال ۱۴۰۲ نیز وقوع قتل‌های ناموسی در غرب کشور روند رو به رشد داشته است. وقوع حدود ۱۰ درصد از قتل‌های ناموسی جهان در کشور ایران هشدار می‌دهد...» (روزنامه شرق - ۴ تیر ۱۴۰۲)

### فقدان مجازات‌های متناسب با جرم

فقدان وجود مجازات‌های متناسب با جرم برای مرتکبین چنین جنایات شیعی علیه زنان به رواج قتل‌های ناموسی و زن کشی دامن می‌زند.

در ماده ۲۹ فصل چهارم لایحه جدید «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقاء امنیت آنان در برابر سوء رفتار» که به جای لایحه منع خشونت علیه زنان که بعد از ۱۲ سال دست به دست شدن بالاخره در ۲۰ فروردین ماه امسال به تصویب رسید آمده است که هر کس مرتکب قتل عمد زنی شود، چنانچه قصاص نشود و قتل دارای طرح و نقشه باشد، به حبس درجه سه، و در غیر اینصورت، به حبس درجه چهار



### جزای بریدن سر همسر

### ۸ سال زندان

### برداشتن روسری ۱۰ سال زندان!

دختر ۱۷ ساله اهوازی که شوهرش سر او را برید و در ملا عام چرخاند شوهر مونا به ۸ سال زندان محکوم شد

محکوم می‌شود. مدت حبس درجه سه، ۱۰ تا ۱۵ سال است و حبس درجه چهار، ۵ تا ۱۰ سال است. این در حالی است که طبق قانون رژیم مجازات قتل، اعدام می‌باشد و هر ساله دهها زن به دلیل قتل همسر در دفاع از خود به چوبه‌های دار سپرده می‌شوند.

تیترا یک مطلب در یکی از رسانه‌ها گویای این واقعیت تلخ است: «جزای بریدن سر همسر ۸ سال زندان، برداشتن روسری ۱۰ سال زندان!» (اعتماد آنلاین - ۲۹ دی ۱۴۰۱) شوهر مونا حیدری دختر ۱۷ ساله اهوازی که سر او را برید و در ملا عام چرخاند به هشت سال حبس تعزیری محکوم شد. این در حالی است که مجازات برداشتن روسری برای زنان ۱۰ سال است و دخترانی همچون ژینا مهسا امینی و آرمیتا گراوند که در مقابل گشت‌های ارشاد مقاومت کنند، توسط آنها به قتل می‌رسند.

رژیم زن‌ستیز آخوندی با نظام مردسالار و قوانین ضدانسانی، خود به تولید و بازتولید چنین جنایاتی دامن زده است. قتل‌های ناموسی و «زن کشی» به یک خشونت سیستماتیک تبدیل شده است. خشونتی که روزانه از خانه و مدرسه تا خیابان و جامعه زنان و دختران ایران را به بند کشیده است. زنان و دختران ایران حتی در چهاردیواری خانه‌های خود نیز امنیت ندارند.

## شکاف جنسیتی عظیم

### ایران در قعر جدول گزارش جهانی شکاف جنسیتی ۲۰۲۳

مجمع جهانی اقتصاد آخرین گزارش خود درباره شاخص شکاف جنسیتی جهانی را روز ۲۰ ژوئن ۲۰۲۳ برابر با ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ منتشر کرد. بر اساس این گزارش ایران تحت حاکمیت ملایان از میان ۱۴۶ کشور که در این گزارش تحت بررسی قرار گرفته اند رتبه ۱۴۳ را به خود اختصاص داده است. گزارش جهانی شکاف جنسیتی که توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می شود، به بررسی وضعیت شکاف جنسیتی و تبعیض علیه زنان در تمامی کشورهای جهان می پردازد و مرجعی برای اندازه گیری سطح عدالت جنسیتی در بین کشورهاست.

در گزارش اخیر مجمع جهانی اقتصاد، رتبه ایران از نظر شکاف جنسیتی ۱۴۳ از بین ۱۴۶ کشور جهان اعلام شده که روندی نزولی نسبت به سالهای گذشته دارد. از میان ۹ کشور آسیای جنوبی، ایران تنها بالاتر از افغانستان در رتبه هشتم قرار گرفته است.

در گزارش جهانی شکاف جنسیتی همچنین آمده است که برابری و تساوات در ایران، سریلانکا و افغانستان (در گروه جنوب آسیا) عقبگرد داشته و سهم زنان در مواضع وزارت به نسبت سال ۲۰۲۲ افت کرده است.

### شاخص گزارش جهانی شکاف جنسیتی

شاخص شکاف جنسیتی و تبعیض علیه زنان از چهار حوزه مشارکت و فرصت های اقتصادی، دستیابی به امکانات آموزشی، سلامت و بقا و توانمندسازی سیاسی تشکیل شده که برآیند تمامی این چهار حوزه رتبه ی کشورها از منظر عدالت جنسیتی را مشخص می کند.

### مشارکت در بازار کار و فرصت های اقتصادی

مشارکت زنان در بازار کار و فرصت های اقتصادی برابر با زیرشاخص هایی مانند نرخ مشارکت زنان، میزان درآمد زنان به نسبت مردان و سهم حضور زنان در مشاغل رده بالا سنجیده می شود. براساس گزارش سال ۲۰۲۳ مجمع جهانی اقتصاد، شاخص شکاف جنسیتی برای مشارکت و فرصت های اقتصادی در ایران ۳۴.۴ درصد می باشد، در حالی که نرخ مشارکت در نیروی کار ۲۰.۴ درصد و در رتبه ۱۴۶ (آخرین کشور) است. رژیم ایران همچنان از تساوی جنسیتی در اقتصاد جلوگیری می کند با شکاف و حشتناک ۱۷.۱ درصدی در درآمد زنان که ایران را در رتبه ۱۴۵ قرار می دهد. درصد قانونگذاران، مقامات ارشد و مدیران ۲۱.۹ درصد گزارش شده و درصد کارگران حرفه ای و فنی ۵۳.۴ درصد می باشد.

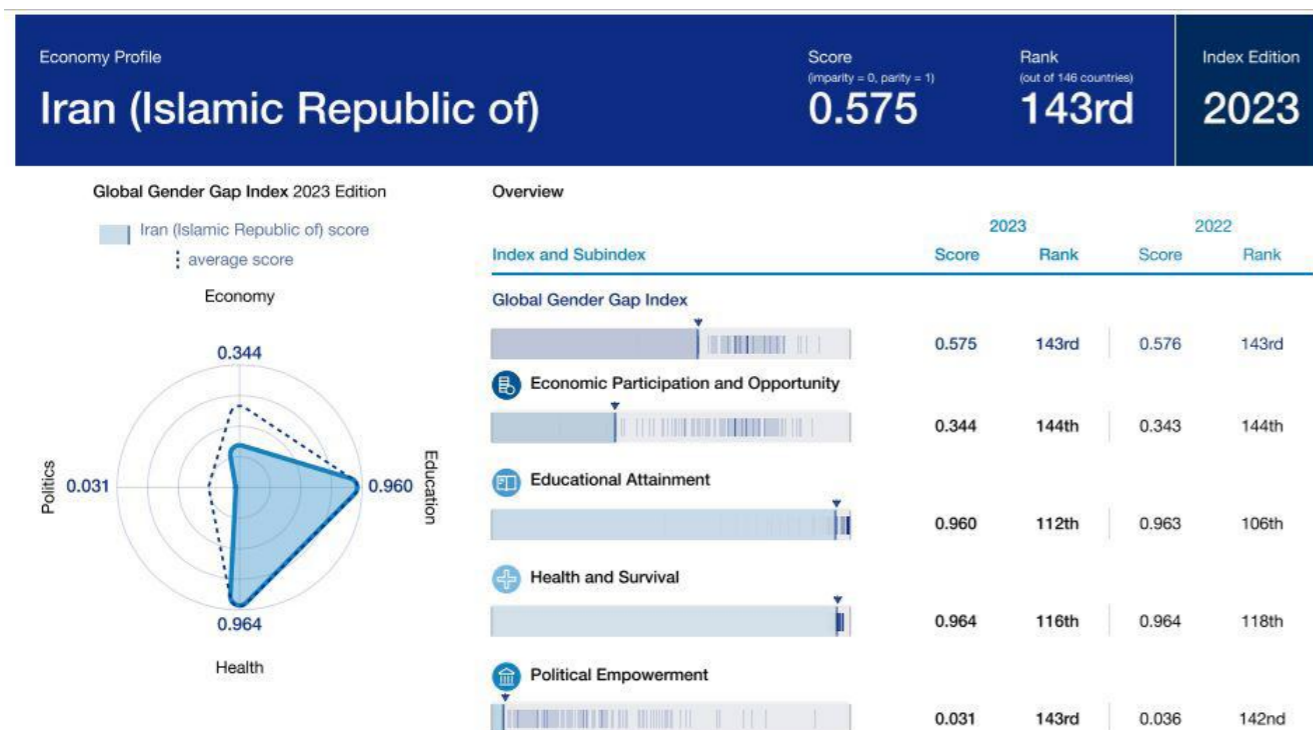
وقتی نوبت به حقوق برابر برای کار برابر می رسد، شکاف جنسیتی برای ایران ۵۴.۲ درصد است. و بالاخره در حوزه توانمندسازی سیاسی، یکی از پایین ترین نرخ های برابری با نرخ ۳.۱ درصد برای ایران به ثبت رسیده است. مشارکت زنان در پارلمان ۵.۹ درصد، در مشاغل وزارتی ۵.۳ درصد و در ریاست کشور صفر درصد می باشد.

### سهم زنان ایرانی در اشتغال ۱۹ درصد

حاکمیت رژیم استبدادی ملایان در ایران و نهادینه کردن یک فرهنگ مردسالار و زن ستیز در جامعه، مهم ترین علت شکاف جنسیتی، تبعیض علیه زنان و بیکار ماندن زنان تحصیل کرده در ایران است. رژیم ولایت فقیه، نه تنها به اشتغال زنان اهمیتی نمی دهد، بلکه با انواع و اقسام حيله ها تا آنجا که در توانش است زنان را به پستوی خانه و خانه داری و

فرزندآوری می راند و نه حضور در اجتماع و جامعه. بر اساس آمار منتشره معاونت زنان و امور خانواده ریاست جمهوری رژیم در دی ۱۴۰۰، حدود ۷۲ درصد از فارغ التحصیلان دانشگاهی در ایران را زنان تشکیل می دهند؛ با این حال سهم آنان از اشتغال در ایران حدود ۱۹ درصد است و به عبارت دیگر، ۶۰ درصد زنان تحصیل کرده ایرانی بیکارند. این آمار نشان می دهد که فقط ۴۰ درصد زنان تحصیل کرده به بازار کار وارد شده اند.

علاوه بر آن، ۷۰ درصد زنان ایران نیز از شغل و درآمد پایدار برخوردار نیستند. این در حالی است که طی بیش از دو سال همه گیری کرونا و ایجاد بحران های اقتصادی و معیشتی روزافزون، در ایران زنان بیشتری کسب و کار خود را از دست داده اند.





## در برابر کار مساوی، دستمزد زنان، کمتر از دستمزد مردان

در ایران تحت حاکمیت آخوندها دستمزد زنان یک چهارم دستمزد مردان است.

«ف»، یک زن وکیل دادگستری در یکی از شهرهای جنوب ایران، ضمن اشاره به تبعیض علیه زنان در ایران می گوید: «در ایران متأسفانه عادی شده که زن‌ها هم اندازه مردها کار کنند ولی دستمزد کمتری دریافت کنند. البته برای زنان مجرد در شهرستان‌ها شرایط بدتر است. هرچقدر پلکانی به سمت مناطق محروم و شهرهای کوچک برویم، این مشکلات و تبعیض‌ها بیشتر می‌شود. من و کالت شرکت‌های مختلف را انجام داده‌ام و دیده‌ام که منشی‌های زن به نسبت منشی‌های مرد مزد کمتری دریافت می‌کردند. در بین وکلای نیز مردان حق‌الوکاله بیشتری به نسبت زنان دریافت می‌کنند؛ حتی فروشندگان مرد دستمزد بیشتری نسبت به فروشندگان زنان دریافت می‌کنند. برخی از کارفرمایان فکر می‌کنند، زنان مجرد ممکن است بیشتر با خانواده‌های خود زندگی کنند و به همین دلیل هزینه کمتری برای زندگی دارند و این حق را به خودشان می‌دهند که حقوق کمتری به آنها پرداخت کنند.»

## نهادینه شدن خشونت علیه زنان

اعمال خشونت و تبعیض علیه زنان در حکومت ملایان در زمینه اشتغال، تلاش برای خانه‌نشین کردن آنها با ترغیب به ازدواج و بارداری زودهنگام و توزیع نابرابر فرصت‌های شغلی در ایران، محرومیت‌های زنان در دستیابی به شغل را طی سال‌ها در پی داشته است. شماری از زنان در ایران با وجود داشتن تحصیلات دانشگاهی، به مشاغل غیررسمی روی آورده‌اند یا مجبور به پذیرش نقش سنتی در خانه و شغل‌هایی که درآمد کمتری دارند و حقوق زنان را در بازار کار تضمین نمی‌کنند، شده‌اند.

## تبعیض علیه زنان، ابزاری برای سرکوب و فشار بر کل جامعه

عوامل سیاسی قوه محرکه تفکر پدرسالارانه در جامعه ایران هستند. بسیاری از اشکال تبعیض به وضوح در قوانین رژیم ملایان نهادینه شده‌اند. و علت آن هم این است که زن ستیزی یکی از ویژگی‌های رژیم ولایت فقیه است و خود دولت اصلی‌ترین علت این مصائب می‌باشد. ملایان می‌خواهند با ترویج فرهنگ پدرسالارانه پایه‌های تسلط و حشمتاک خود بر جامعه را تحکیم کنند. تبعیض علیه زنان به عنوان ابزاری برای سرکوب کل کشور عمل می‌کند. اما زنان ایران در ۴۵ سال گذشته از رژیم سرپیچی کرده‌اند. آنها برابری خود را با حضور در صفوف اول اعتراضات و رهبری قیام‌های ضد رژیم در سراسر کشور ثابت کرده‌اند این نشان می‌دهد آنها پیشاپیش خود را در رابطه با تصمیم‌گیری برای سرنوشت خود و کشورشان توانمند کرده‌اند.

## ایران

### زنان ایرانی پیش از این به خود قدرت داده‌اند که برای سرنوشت خود و کشورشان تصمیم بگیرند



### زنان ایرانی با حضور در خط مقدم اعتراضات و قیام‌ها و رهبری اعتراضات ضد رژیم در سراسر کشور برابری خود را ثابت کرده‌اند

# گزارش سال ۲۰۲۴



زنان ایران تسلیم ناپذیر بر مبارزه برای آزادی پای می فشارند

کمیسیون زنان

شورای ملی مقاومت ایران

مارس ۲۰۲۴



wncri.org/fa



@womenncri



@womenncri

ISBN 978-2-35822-022-4



9 782358 220224 >